

## «خشونت کلامی» در فضای مجازی

مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال کنندگان در صفحات اینستاگرام

هنرمندان ایرانی

علیرضا عبداللهی نژاد\*، نوشین مجلسی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۸

### چکیده

مقاله حاضر به مطالعه پدیده خشونت کلامی در صفحات مجازی پربازدید در اینستاگرام پرداخته است. بدین منظور در گام نخست، سعی شد صفحه‌های رسمی و پرطرفدار سلبریتی‌های هنری داخل ایران که در زمان این پژوهش بیش از یک میلیون دنبال کننده داشتند، شناسایی شوند. پس از آن، اظهار نظرهای دنبال کنندگان این صفحات از منظر خشونت کلامی مورد مطالعه قرار گرفت. در این پژوهش از نظریه‌های ادب از براون و لوینسون (۱۹۷۸) و (۱۹۸۷) و بی‌ادبی کلامی از کالپیر (۲۰۱۱) که با محوریت وجهه، ذیل نظریه نمایشی گافمن قرار می‌گیرند، استفاده شده است. برای انجام پژوهش از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. سرانجام با تحلیل حدود ۱۵۰۰

---

\* استادیار گروه روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی. [abdollahinejad@atu.ac.ir](mailto:abdollahinejad@atu.ac.ir)  
\*\* کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، گرایش روزنامه‌نگاری، دانشگاه علامه طباطبائی. [n.majlesi7@yahoo.com](mailto:n.majlesi7@yahoo.com)

اظهار نظر (کامنت) که حاوی خشونت کلامی بودند، اشیاع نظری حاصل شد و تعداد ۹ مضمون فراگیر با عنوان زندگی شخصی، جایگاه و مقام حرفه‌ای هنرمند، آسایش و رفاه، جنسی، جنسیت، سیاست، مذهب، قومیت، اصل و نسب، دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی استخراج شد. پس‌از این مرحله، شبکه مضامین فراگیر به‌عنوان الگوهای اصلی و پرتکرار داده‌های متنی، ترسیم و همچنین پیش از آن در جداول نُه‌گانه دو سطح دیگر مضامین یعنی تعداد مضامین پایه و سازمان دهنده، آورده، توصیف و تحلیل گردید.

**واژه‌های کلیدی:** خشونت کلامی، فضای مجازی، دنبال‌کنندگان،

اینستاگرام، هنرمندان ایرانی

## مقدمه و بیان مسئله

«اینستاگرام» یک شبکه اجتماعی اینترنتی است که کاربرد آن اشتراک‌گذاری عکس و ویدیو است. دنبال کردن صفحات کاربران مختلف در سراسر دنیا و تعامل با آنها از خدماتی است که این شبکه اجتماعی به‌صورت رایگان به کاربران خود ارائه می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد که اینستاگرام در سال‌های اخیر از محبوبیت رو به رشدی برخوردار شده و از این منظر، از بسیاری از شبکه‌های اجتماعی مشابه خود نظیر فیس‌بوک پیشی گرفته است. فراگیر شدن این شبکه اجتماعی در دنیا و ایران، لزوم بررسی ابعاد گوناگون و تأثیرات آن را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان برقراری ارتباط با افرادی که تا پیش‌ازین، دور از دسترس بودند فراهم شده است. پرتعداد بودن صفحات بازیگران و خوانندگان ایرانی و داشتن فالوئرها (دنبال‌کنندگان) میلیونی در اینستاگرام صحت این مسئله را تأیید می‌کند؛ این موضوع نشان‌دهنده جذابیت نزدیک شدن به افراد مشهور و دیدن تصاویری از زندگی روزمره آنها برای مردم عادی است. ارتباطی دوسویه، در

---

### 1. Instagram

### «خشونت کلامی» در فضای مجازی ... ۳

فضایی آزاد با کسانی که پیش‌ازاین نزدیک شدن به آن‌ها نه‌تنها کار آسانی نبود بلکه در خیلی از موارد غیرممکن به نظر می‌رسید؛ اما آنچه در این مدت به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در فضای مجازی رواج یافته است، خشونت کلامی<sup>۱</sup> است. برای مطالعه بیشتر این مسئله و تحلیل دقیق‌تر، شبکه اجتماعی اینستاگرام، به‌عنوان یک شبکه اجتماعی مجازی پرطرفدار در ایران انتخاب شد. هرچند آمار دقیقی از تعداد کاربران ایرانی این شبکه در دست نیست اما با نگاهی کلی به فضای داخلی این شبکه و تعداد فالوئرهای صفحات ایرانی خصوصاً صفحات پرطرفدار این نتیجه حاصل می‌شود که میلیون‌ها ایرانی در اینستاگرام حضور دارند. پایش رفتار این تعداد زیاد از ایرانیان و دانستن این نکته که اساساً در این فضا چه محتوایی تولید می‌شود دغدغه این پژوهش را پررنگ‌تر می‌کند. از طریق شناسایی مضمون‌های پرتکرار اظهارنظرهای این افراد می‌توان نقبی به کردار اجتماعی آنان و یا اندیشه‌هایشان زد. اگر شنیده می‌شود در این فضا خشونت کلامی را اشاعه می‌دهند باید این مهم بررسی شود و ماهیت آن آشکار گردد تا در مراحل بعدی، دلایل بروز آن نیز کندوکاو شود. این پدیده زمانی جالب‌تر می‌شود که خشونت کلامی در فضای مجازی نه در اختلافات شخصی بلکه بیشتر علیه کسانی استفاده می‌شود که پیش‌ازاین به‌عنوان چهره‌های محبوب جامعه شناخته می‌شدند. هرچند این اتفاق محدود به صفحات سلبریتی‌ها<sup>۲</sup> نیست و شامل کسانی می‌شود که به هر دلیل صفحاتی با دنبال‌کنندگان<sup>۳</sup> زیاد دارند اما وسعت حضور گروه شهرت خصوصاً هنرمندان در آن‌ها درخور توجه است. پیش‌ازاین، آنچه بدیهی به نظر می‌رسید طرفداری از یک فرد مشهور و محبوب بود اما شبکه‌های اجتماعی فضای جدیدی برای گروهی ایجاد کرده است که پیش‌ازاین صداهایشان شنیده نمی‌شد. گویی شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای برای تقابل‌های خشونت‌آمیز شده است. افرادی که در اینستاگرام از

- 
1. Verbal violence
  2. Celebrity
  3. Followers

خشونت کلامی استفاده می‌کنند، بخشی از جمعیت ایران هستند و نادیده گرفتن آنان و عملکردشان چشم بستن به پدیده‌ای نوظهور و درخور توجه است. از این رو، با توجه به نفوذ اینستاگرام در زندگی ایرانیان و تأثیرات گسترده آن، بررسی جدی فضای این شبکه اجتماعی و عملکرد کاربران ایرانی خصوصاً در مورد رواج خشونت کلامی ضروری به نظر می‌رسد.

با مطالعه مقدماتی در مرحله پیش آزمون صفحات رسمی پرتعداد هنرمندان داخل ایران، این نتیجه حاصل شد که در زمان انجام این پژوهش دست کم حدود ۴۶ صفحه از سلبریتی‌های هنری ایرانی داخل کشور بیش از یک میلیون دنبال‌کننده دارند. رواج خشونت کلامی در کامنت‌هایی که زیر پست‌های این اشخاص گذاشته می‌شود درخور توجه است. در این پژوهش تلاش شده است با پاسخ به این پرسش‌ها چستی و مضمون<sup>۱</sup> کامنت‌های خشن و انواع آن مشخص شود. به گواه روان‌شناسان و زبان‌شناسان، شناسایی مضامین خشونت کلامی و سخنان آزاردهنده در هر جامعه از هر نوعی که باشد نشانگر آسیب‌های روانی و فرهنگی موجود در آن جامعه است. مشکلاتی فردی و اجتماعی که خود را در قالب خشونت و پرخاشگری کلامی بروز می‌دهند و در این مسیر قربانی می‌گیرند. شناخت مضامین در این حوزه ممکن است بسته به تاریخ و فرهنگ از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد و این گمان با پژوهش قابل بررسی است.

در پژوهش حاضر، سعی بر این است تا مشخص شود، در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که افراد می‌توانند هویت اصلی خود را مخفی کنند و کمتر ترس از پاسخگویی به آشنایان، مجازات قانون و اصطلاحاً بی‌آبرویی دارند چگونه خود پنهانشان را آشکار می‌کنند و از چه مضامینی برای تخریب وجهه اشخاص دیگر بهره می‌گیرند. شناخت این مضامین دغدغه و مسئله اصلی این پژوهش است. پاسخگویی به پرسش‌های

دیگری که امروز ذهن محققان حوزه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را در مورد رواج پدیده خشونت کلامی درگیر کرده است از رهگذار شناخت اولیه آن می‌گذرد. در واقع با استخراج و تحلیل مضامین خشونت کلامی که کاربران استفاده می‌کنند می‌توان تا حد زیادی به درگیری‌ها و دغدغه‌های ذهنی آنان، علل نارضایتی و هدف بروز این رفتار پی برد و دانست که آیا آن‌چنان‌که برخی نظریه‌ها و مدل‌های نظری می‌گویند، ویژگی‌های فضای مجازی فراهم آورنده برخی کج‌رفتاری‌ها است یا خیر و در نهایت می‌توان نتایج بدست آمده را دستمایه پژوهشی دیگر قرار داد. این مسیر و شناخت هر چه کامل‌تر این پدیده، مسئله امروز پژوهشگران در این مطالعه و در آینده است.

## زمینه‌های نظری پژوهش

### خشونت کلامی

خشونت کلامی یکی از انواع خشونت است که گاه از آن با عنوان پرخاشگری<sup>۱</sup> نیز یاد می‌شود. این در حالی است که از دید برخی روانشناسان، پرخاشگری کلامی یکی از گونه‌های پرخاشگری است و با خشونت تفاوت‌هایی دارد. در این پژوهش اما به دلیل اشتراکات مصداقی، این دو مفهوم به‌جای یکدیگر به کار رفته‌اند. این هم‌پوشانی در ادامه و با روشن‌تر شدن محدوده معانی هر یک از مفاهیم، روشن‌تر خواهد شد. مگارژی<sup>۲</sup> و هاکانسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) محققان حوزه خشونت و پرخاشگری معتقدند که خشونت آن‌گونه که در افکار عمومی تصور می‌شود، فقط محدود به خشونت و تعرضات فیزیکی و بدنی نیست. اکثر مردم کتک زدن و زخمی کردن و درگیری‌های فیزیکی را به‌عنوان مظهر خشونت معنا می‌کنند، درحالی‌که دامنه تعریف و وجوه عینی

---

1. Aggression  
2. Megargee  
3. Hokanson

خشونت لایه‌های گسترده‌تری از رفتارهای انسانی را در برمی‌گیرد، که از جمله لایه‌های زیرین خشونت، خشونت کلامی است.

محمدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر پرخاشگری می‌پردازد و اذعان می‌کند که خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و بر اساس گفتمان فرهنگی جامعه بنیان نهاده می‌شود. در واقع روش‌های خشونت‌ورزی را باید در ساختار فیزیکی - فرهنگی جامعه جست‌وجو کرد. امروزه اگرچه به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر از گذشته به چشم می‌خورد اما خشونت‌های روانی - کلامی همواره در ساختار فرهنگی جامعه پنهان مانده است و قربانیان زیادی می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۶). این دیدگاه در پژوهش پیش رو علاوه بر شناخت مفهوم خشونت کلامی این مهم را آشکار می‌سازد که اساساً خشونت‌ورزی به شیوه کلامی و از طریق آزار زبانی به گفتمان فرهنگی جامعه بازمی‌گردد و از این رو مضامین آن نیز برخاسته از همین ساختار است. در پژوهشی دیگر که با نام «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری» انجام شده، هدف از خشونت آسیب رساندن به دیگری عنوان شده است که برای این نیت ابزار متفاوتی وجود دارد. برخی برای تعریف خشونت کلامی از مصادیق عینی آن نام می‌برند. مثلاً انتقاد تند و یا غر زدن را نوعی خشونت کلامی (ستوده، ۱۳۸۹: ۲۳۵) می‌دانند. در تعریفی مختصر می‌توان گفت که خشونت می‌تواند شامل تحقیر، اهانت، دشنام، یا تلاش برای آسیب جسمی باشد. در هر مورد، هدف آسیب رساندن، یعنی نوعی درد و رنج فیزیکی یا روانی است. خشونت را می‌توان به‌مثابه تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به‌صورت احساسی و یا کلامی در نظر گرفت. عنصر ذاتی خشونت را پرخاشگری شکل می‌دهد که می‌توان آن را به‌عنوان واکنش ارادی یک فرد یا گروه در تحمیل و وارد ساختن درد و رنج به افراد دیگر دانست (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

باید به‌طور کلی تأکید کرد که طبق نگاه صاحب‌نظران امروزه پرخاشگری یکی از معضلات جدی فرهنگی ما در تمام سطوح جامعه است و بسیاری از رفتارها با این که

## «خشونت کلامی» در فضای مجازی ... ۷

به آسیب جسمی منجر نمی‌شوند ولی پرخاشگری محسوب می‌شوند، از جمله آن‌ها پرخاشگری کلامی است، که می‌تواند مقدمه خشونت فیزیکی باشد (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۸) و مطالعه این‌گونه از خشونت مدنظر پژوهش حاضر است. تبیین شیوه‌های ابزار خشونت و پرخاشگری و گونه‌های آن هم‌پوشانی دارد. خشونت کلامی یکی از انواع خشونت است که شیوه و ابزار آن برای اعمال فشار و آسیب رساندن با خشونت فیزیکی تفاوت دارد. این‌گونه از خشونت با بهره‌گیری از ابزار زبان آسیبی ورای فشار جسمانی به قربانی خود وارد می‌کند و در درجه اول، بازی با روان و خدشه وارد کردن به وجهه او را مدنظر دارد. البته طبق دیدگاه بسیاری از روانشناسان آلام این خشونت که عمدتاً در مدت‌زمان بیشتری اعمال می‌شود کمتر از خشونت بدنی نیست و اصولاً مقایسه این دو کار آسانی نیست اما هر دو بر فرد و جامعه آثار سوئی برجای می‌گذارند. در واقع آسیب روانی ناشی از خشونت کلامی می‌تواند در درازمدت در برخی از افراد سبب بروز بیماری‌های جسمانی و یا بیماری‌های روان‌تنی گردد و یا خشونت فیزیکی در بعضی از افراد می‌تواند سبب ابتلا به بیماری و اختلال‌های روانی شود که این پروسه از فردی به فرد دیگر متفاوت است.

آنجا که سخن از «پرخاشگری کلامی» به‌عنوان یکی از انواع پرخاشگری به میان می‌آید یکی از نخستین شیوه‌ها و یا مصادیق آن‌که به ذهن متبادر می‌شود؛ «بی‌ادبی» کلامی است که به دلیل فراوانی آن مورد توجه پژوهشگران علوم مختلف از قبیل زبان‌شناسی و روانشناسی بوده است. بی‌ادبی صفتی انسانی است که همراه با انسان در فضاهای گوناگون نفوذ کرده است. در واقع هر جا ردی از انسان یافت می‌شود، ردپایی از خصایص او نظیر ادب و بی‌ادبی نیز به چشم می‌خورد. کالپیر یکی از پژوهشگرانی است که از لحاظ نظری به بی‌ادبی کلامی پرداخته و آن را نوعی از خشونت کلامی دانسته است. یکی از انواع خشونت کلامی که در دسته بی‌ادبی کلامی دسته‌بندی می‌شود ناسزا است. هر ناسزا مجتمع از روانی آسیب‌دیده و آسیب‌زا از اوهام،

تعارضات، امیال، رازها، ادراکات، احساسات و هیجان‌هایی است که در رفتار، حالات و گفتار ناسزاگو طنین می‌اندازد. نموده‌های ناسزا کنایه‌ها، تشبیه‌ها، ایماواشاره‌های حسی - حرکتی، نفرین‌ها، تیکه‌ها، سرزنش‌ها، تحقیرها، بدگویی‌ها، یا همه این‌ها هستند که یک جا و با هم برون‌فکنی، برون‌نمایی، درون‌فکنی و درون‌نمایی می‌شوند که جملگی در زمره خشونت کلامی دسته‌بندی می‌شوند (خدیوی زند، ۱۳۸۸: ۳).

### خشونت کلامی در فضای مجازی

خشونت کلامی امروزه همراه انسان وارد فضای مجازی شده است تا جایی که واژه‌هایی تخصصی در ارتباط با آن وارد فرهنگ اصطلاحات رایانه و اینترنت شده است. از مهم‌ترین آن‌ها «اوباش اینترنتی» یا «ترول»<sup>۱</sup> و همچنین «پیام‌های آتشین»<sup>۲</sup> است. تروول در گفتمان اینترنتی به افرادی گفته می‌شود که با رفتار مخرب در فضای وب به دنبال جلب نظر کاربران، ایجاد تشنج و بیان مطالب محرک و توهین‌آمیز هستند. اوباشگر اینترنتی فردی است که در اتاق‌های گفتگو، تالارها، وب‌نوشت‌ها یا تارنما‌های کاربرمحور پیام‌هایی ارسال می‌کند که حاوی مطالب ناراحت‌کننده یا جنجال‌برانگیز است. درحالی‌که در یک جمع اینترنتی کاربرانی با حسن نیت بحثی را دنبال می‌کنند، اوباش اینترنتی با تحریک سایرین و با پیش کشیدن بحث‌های نامربوط یا توهین‌آمیز، به دنبال مطرح کردن خود و متشنج کردن فضای گفتگو است. اطلاق اوباش اینترنتی به یک کاربر بعضاً ممکن است امری نسبی باشد. در این موارد معمولاً موضوع به اختلاف‌نظر میان افراد و لحن گوینده برمی‌گردد. در عمده فعالیت تروول‌ها خشونت کلامی دیده می‌شود. آنان اغلب بدین‌وسیله سعی در تحریک دیگر کاربران و یا منحرف کردن بحث دارند. پای این دست از کاربران به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نظیر فیس‌بوک و اینستاگرام نیز باز شده است و در آنجا نیز از طریق ایجاد صفحات تقلبی و

---

1. Internet troll  
2. Flaming



یا بی‌نام‌ونشان به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهند. قصد یک اوباش اینترنتی تنها ایجاد تشنج و تحریک سایرین برای جلب‌توجه است، نه ایجاد بحث سازنده (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۷). پیام‌های آتشین نیز دسته‌ای از پیام‌ها هستند که در گفت‌وگوهای اینترنتی میان کاربران رد و بدل می‌شوند و حاوی واژه‌های تهاجمی است و به‌منظور برهم زدن بحث و گفتگو بیان می‌شوند. شاید بتوان گفت ترول‌ها گاه از این پیام‌ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

جانسون<sup>۱</sup>، کوپر<sup>۲</sup> و چین<sup>۳</sup> در پژوهش خود با عنوان «خشم و پیام‌های آتشین در گفتگوهای کامپیوتری میان غریبه‌ها» به ارتباط خصمانه و رفتارهای خلاف هنجار و تهاجمی در ارتباطات کامپیوترمحور می‌پردازند. این پژوهشگران اعلام می‌کنند که پیام‌های آتشین یا تهاجمی با خشم ارتباط دارند و زمانی پیش می‌آیند که یکی از طرفین دچار خشم شده باشد و یا این که احساس کند طرف مقابلش صادق نیست. آنان اظهار می‌کنند که کاهش عصبانیت بر کاهش شعله افروزی (ارسال پیام‌های آتشین) در اینترنت اثر دارد. همچنین از دیگر دلایلی که آن‌ها برای بروز پیام‌های آتشین معرفی می‌کنند، سابقه شخص و بستریایی خارج از فضای اینترنت است (Johnson & Cooper & Chin, 2008: 660).

### هویت در فضای مجازی

هویت اجتماعی به معنای ویژگی‌هایی است که از طرف دیگران به یک فرد نسبت داده می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان نشانه‌هایی تلقی کرد که نشان می‌دهند هر شخص معینی، اساساً چه کسی است. درعین‌حال، این ویژگی‌ها شخص یادشده را به افراد دیگری مربوط می‌کنند که همین خصوصیات و کیفیات را دارند. همچنین هویت‌های

- 
1. Johnson
  2. Cooper
  3. Chin

اجتماعی بعد جمعی دارند. اگر هویت‌های اجتماعی نشان‌دهنده شیوه‌های همسانی افراد با دیگران هستند، هویت شخصی، ما را به‌عنوان افرادی جدا و مجزا از یکدیگر متمایز می‌کند. هویت شخصی به معنای رشد و تکوین شخصی است که از طریق آن ما معنای یگانه و منحصر به فردی از خویشنمان و مناسبت‌مان با جهان پیرامون خود خلق می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶). هویت اجتماعی ایرانی، به‌عنوان خصوصیات و کیفیات مشترک و همسان شناخته شده برای ایرانیان از دید چند منبع در این بحث مورد نظر است.

اینترنت دارای قابلیت است که به‌واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به‌زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این‌ها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کنند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارائه‌شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌هایی غیر از شکل مورد نظر وی تفسیر شود (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). حتی امکان معرفی خود در سایت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد. به‌طوری‌که افراد بتوانند در جریان ارتباط‌گیری «هویت الکترونیک چندگانه‌ای» برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص فضای مجازی‌اند. در مجموع، هویت اینترنتی یا هویت مجازی با دیدگاه‌های متعارف درباره هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره هویت به دنبال کلیت‌سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه‌نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن را بر فرد در نظر می‌گیرند، اما با این اوصاف در فضای مجازی استفاده از چنین تعاریفی برای هویت دشوار می‌شود و با گسترده‌تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت مخدوش می‌شود (معمار، عدلی پور و خاکسار، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

می‌توان گفت هویت آفلاین ما با خود آنلاین ما در جامعه گره خورده است. الول<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) می‌گوید که هویت آنلاین و آفلاین ما عملاً با یکدیگر مشابه‌اند. معمولاً یکسری عکس، ویدیو و نوشته‌هایی به‌روز می‌شوند که بر پایه تجربیات زندگی واقعی و داستان‌های خیالی حمایت می‌شوند. مبحثی که در بنیان نظری و تشریح مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش باید به آن پرداخت، ویژگی‌های جامعه ایرانی و خلق‌وخوی مردمان آن است. این موضوع را می‌توان ذیل مفهوم هویت ذکر کرد؛ زیرا پژوهش ما بر روی رفتار کاربران ایرانی است (همان‌هایی که مبحث هویت در ارتباط با آنان مطرح شد) و ویژگی‌های فرهنگی و شاید ذاتی این کاربران به‌واسطه سرزمین مشترک می‌تواند در تحلیل مضامین یاری‌دهنده و کارساز باشد. در این زمینه از دیرباز کتاب‌های فراوانی نوشته شده است. برای مثال پولاک (۱۳۶۸)، نراقی (۱۳۸۸) و فراستخواه (۱۳۹۵) پس از پژوهش و مشاهده طولانی جامعه ایرانی می‌گویند که تعارف و رودربایستی از ویژگی‌های بارز ایرانیان است و از دیرباز در خلق‌وخوی ایرانیان قابل مشاهده بوده است. این رودربایستی گاه تا مرز ریا نیز پیش می‌رود؛ به حدی که مثال می‌زنند ایرانیان در ارتباط رو در رو سعی در جلب رضایت مخاطب دارند و از این‌رو او را با حرف‌های خوشایند نوازش می‌دهند اما در لحظه بعد وقتی مخاطب پشتش را به آنها کرد ممکن است ناسزا بگویند و یا دست‌کم پشت سر او حرف بزنند. با استناد به نتایج یک تحقیق پیمایشی درباره خلق‌وخوی ایرانیان، می‌توان گفت ایرانی‌ها در حضور یکدیگر رودربایستی زیادی دارند و معمولاً از هم دیگر تعریف و تمجید می‌کنند اما در غیاب یکدیگر قضاوت‌های منفی خود از دیگران را بیان می‌کنند. طبق نظرات جامعه آماری در این تحقیق که از نخبگان علمی کشور هستند بیان می‌شود که تعارف ایرانیان قرابتی با واقعیت ندارد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۲۰).

## سلبریتی

سلبریتی<sup>۱</sup>، واژه انگلیسی است و در فارسی به معنای شخص نامدار و معروف، عضو صنوف ممتاز اجتماع، ستاره یا شخصیت برتر جماعت به کار می‌رود. این کلمه عموماً به ستارگان ورزشی و هنرمندان، خصوصاً سوپرستارهای سینما اطلاق می‌شود، زیرا این دو گروه معمولاً بیش از سایر گروه‌های شهرت دیده می‌شوند و شناخته شده هستند. اخبار مربوط به سلبریتی‌ها برای مردم از جذابیت زیادی برخوردار است. آن‌ها این اخبار را از طریق رسانه‌ها دنبال می‌کنند و دوست دارند از زندگی خصوصی و حرفه‌ای ستاره‌ها باخبر باشند. با همه‌گیر شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و حضور سلبریتی‌ها در این فضا ارتباط میان آن‌ها و مردم تنگاتنگ‌تر شده و به‌مرور شکل ارتباط دستخوش تغییراتی شده است. سلبریتی در انگلیسی هم، معنای عام شهرت را به ذهن متبادر می‌کند و هم به معنای شخصی مشهور است. به‌ویژه شخصی که در عرصه صنعت سرگرمی‌سازی، مانند هنرپیشه‌های مشهور سینما و تلویزیون فعالیت می‌کند (بیکاک، وایت هاوس، ۱۳۸۸: ۶۸).

لاینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، کلنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، فریسر<sup>۴</sup> و براون<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) اظهار می‌کنند که علی‌رغم چشم‌پوشی دیرینه جامعه‌شناسی نسبت به موضوع سلبریتی، در متون کلاسیک بذرهایی از توجه به موضوع دیده می‌شود. مفاهیم طبقه و منزلت وبر<sup>۶</sup> (۱۹۶۶)، به‌علاوه، توجه او به کاریمای فردی به‌عنوان منبع قدرت؛ همگی واجد کاربردهای امروزی از موضوع سلبریتی است. سلبریتی محل لبریز شدن کاریمای در جامعه معاصر است. سلبریتی‌ها از بازیگران و ورزشکاران حقیقتاً با استعداد تا یک سوپر مدل بی‌مانند زیبا، تا یک ثروتمند فتوژنیک همه و همه افراد مشهوری هستند که کاریماتیک و جذاب‌اند. در واقع دارای صفاتی هستند که وبر به‌عنوان منبع بالقوه اعمال قدرت و

- 
1. Celebrity
  2. Lines
  3. Kellner
  4. Fraser
  5. Brown
  6. Weber

اعمال آن بر دیگران شناسایی کرد. سلبریتی‌ها تأثیر اجتماعی بر مخاطبان خود را به شیوه‌های غیرمعمول و ماهرانه‌ای اعمال می‌کنند، آنچه که وبر ابزارهای هم زمخت و هم لطیف می‌نامد. یکی از موضوعات مورد توجه در کارهای جامعه‌شناختی و علوم اجتماعی درباره شهرت و سلبریتی؛ آسیب‌شناسی است. محققان، نظریه‌پردازان و منتقدان اجتماعی تمایل دارند تا از این پیش‌فرض آغاز کنند که شهرت و سلبریتی در تمامی اشکالش، بد، فاسد و به‌عبارت‌دیگر تحقیرشدنی است (فریس، ۱۳۹۴).

این روزها رابطه‌ای خاص میان سلبریتی‌ها و رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته است. این افراد می‌توانند در وب سایت‌هایی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب اطلاعات و تصاویری از خود و فعالیت‌های‌شان را ارائه دهند. آنان از این طریق می‌توانند بدون نیاز به تلویزیون و یا حامیان تجاری خود با طرفدارانشان ارتباط برقرار کنند. نمی‌توان منکر شد که همین ارتباط ریشه در شهرت آنان دارد که پیش‌ازاین به‌صورت سنتی ایجادشده است (Marshall & Redmond, 2015: 202).

### چارچوب نظری پژوهش

میان نظریه‌های مرتبط با پژوهش، نظریه ادب براون و لوینسون، بی‌ادبی کلامی کالپیر و ذیل و در ارتباط با آن نظریه نمایشی گافمن مطرح می‌شود. همچنین رویکرد دیگری که به‌صورت ترکیبی با نظریه‌های اشاره‌شده به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده؛ رویکرد ناقص است که نگاه دقیقی به کژکارکردهای ارتباطات رایانه واسط دارد و سه مدل را مطرح می‌نماید که از میان آن‌ها مدل فاقد سرنخ و حضور اجتماعی بیان می‌کنند که به دلیل عدم حضور فیزیکی و غیرقابل‌شناسایی یا سخت شناخت بودن در فضای مجازی و در پرده ارتباطات رایانه واسط و تعاملات اینترنتی، امکان بروز کج‌روی‌ها از جمله خشونت کلامی و هرزه‌نگاری‌ها بیشتر از دنیای حقیقی است.

## نظریه نمایشی

تحلیل نمایشی گافمن برای تشریح نمود خود در زندگی روزمره یا ابزار و شگرد ارتباط کنشگران یکی از نظریه‌هایی است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. مباحثی که گافمن پیرامون وجهه مطرح می‌کند، مهم‌ترین بخش این نظریه و مورد تأکید این پژوهش است. او وجهه را یک ارزش اجتماعی مثبت می‌داند که فرد برای خود قائل می‌شود و انتظار دارد دیگران در تعاملات اجتماعی آن را به رسمیت بشناسند. این مفهوم در نظریه ادب و فقدان ادب نیز همان‌گونه که مدنظر گافمن است مطرح می‌شود و از این رو شرح آن از منظر گافمن لازم به نظر می‌رسد.

اروینگ گافمن از نظریه پردازان مبحث تعامل‌گرایی است و نظریه‌های او بیشتر به ارتباط رودررو و گفت‌وگوهای روزمره می‌پردازد اما ظرفیت آن را دارد که در حوزه تعاملات رسانه‌ای نیز از آن استفاده شود. در اینجا و در زمینه ارتباطات و تعاملات رایانه واسط نیز می‌توان از نظریه‌های وی بهره برد. گافمن در کتاب معرفی خود در زندگی روزمره (۱۹۹۰)، معرفی خود را شیوه‌ای می‌داند که افراد و گروه‌ها برای عمل کردن و بیان و معرفی خودشان به دیگران به کار می‌گیرند. انسان‌ها ذاتاً خواهان دوست داشتن و دوست داشته شدن هستند. به‌علاوه، وقتی یک فرد یا بازیگر، نقشی را برای مخاطب در مواقع متفاوت بازی می‌کند، احتمالاً نوعی روابط اجتماعی را شکل می‌دهد. در واقع هنگامی که فرد در حضور دیگران به اجرای نقش می‌پردازد، نقش او بیانگر ارزش‌های مقبول و رسمی جامعه است. نقشی که او در برابر تماشاگران اجرا می‌نماید، بسیار بیشتر از سایر رفتارهای او، ارزش‌های مقبول اجتماعی را بازنمایی می‌کند. به همان اندازه که یک نقش، ارزش‌های مقبول و جاافتاده جامعه را به نمایش می‌گذارد، می‌توان آن را نوعی آیین و مناسک یعنی بازسازی و باز تأیید نمایشی ارزش‌های اخلاقی جامعه دانست (مهدی زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

آنچه گافمن به‌عنوان ظاهرسازی از آن یاد می‌کند همان وجه‌های است که فرد تمایل دارد نزد دیگران برای خود بسازد تا از این پس با آن شناخته شود. در صفحات مجازی نیز افراد با قرار دادن پُست، خود را در معرض دید قرار می‌دهند و وجوهی از شخصیت‌شان را که مایلند عمومی شود به نمایش درمی‌آورند. سلبریتی‌های هنری نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ آنان با قرار دادن تصاویر و متن‌های موردنظرشان در صفحه اینستاگرام خود به‌عنوان یک رسانه شخصی، سعی در برقراری ارتباط و نمود خود در میان دنبال‌کنندگان‌شان دارند.

میروویتز (۱۳۸۷) همچنین از گافمن نقل می‌کند که رفتار افراد، یک منطقه پشت‌صحنه و یک منطقه جلوی صحنه دارد و هر فرد سعی می‌کند که در منطقه جلو، یعنی در حضور دیگران به بهترین شکل نقشش را ایفا کند و تصویری ایده آل از خود ارائه دهد. صفحه اینستاگرام یک سلبریتی و نمایی که او از خود در قالب پست‌هایش ارائه می‌دهد همان منطقه جلوی صحنه است که او تمایل دارد از طریق آن وجهه مطلوب و مورد احترامش را به دنبال‌کنندگان نشان دهد و قاعدتاً در پی پذیرش آن از سوی دیگران است.

### نظریه ادب و بی‌ادبی کلامی

براون<sup>۱</sup> و لوینسون<sup>۲</sup> نظریه ادب را در سال ۱۹۷۸ مطرح نمودند و در سال ۱۹۸۷ آن را بازنگری و اصلاح کردند. این دو، نظریه مورد نظر خود را با استفاده از مفهوم وجهه<sup>۳</sup> که از سوی گافمن مطرح شده بود تبیین نمودند. بر این اساس معتقد بودند که رفتار مؤدبانه رفتاری است که در جهت حفظ وجهه مثبت یا منفی مخاطب بکوشد. آنان وجهه مثبت را به‌صورت تمایل به دوست داشته شدن، تحسین شدن و دریافت موافقت

---

1. Brown  
2. Levinson  
3. Face

دیگران و وجهه منفی را به صورت تمایل افراد به تحمیل نشدن چیزی به ایشان بازتعریف کردند. ادب را می‌توان به منزله مفهومی ثابت، همچون رفتار اجتماعی مؤدبانه یا آداب معاشرت در نظر گرفت. همچنین، می‌توان برای رفتار مؤدبانه در تعامل اجتماعی یک فرهنگ خاص، اصول کلی گوناگونی را شناسایی کرد. بعضی از این اصول کلی عبارت‌اند از: باتدبیر بودن، با گذشت بودن، باحیا بودن و حس همدردی نسبت به دیگران. نداشت صراحت لهجه می‌تواند صورتی از ادب باشد. ادب، نظامی از روابط بین فردی به هدف تسهیل تعامل است که از طریق به حداقل رساندن برخورد و رویارویی که جز ماهیت کلیه تبدلات انسانی است صورت می‌پذیرد (یول، ۱۳۸۷: ۸۲-۱۳۶).

از آن سو وجهه مفهومی است که با خجالت و تحقیر ارتباط دارد؛ بنابراین وجهه چیزی است که به لحاظ احساسی روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود و می‌تواند از دست برود، حفظ یا تقویت شود و برای تمام این‌ها نیاز دارد که دائماً در تعامل قرار گیرد. به‌طور کلی افراد به دلیل آسیب‌پذیری متقابل وجهه در تعامل، برای حفظ آن با یکدیگر همکاری می‌کنند. این بدین معنا است که به‌طور معمول افراد می‌توانند انتظار داشته باشند که در صورتی که در حفظ وجهه دیگران بکشوند، دیگران نیز وجهه آنان را حفظ خواهند کرد. در غیر این صورت با تهدید وجهه خود، معمولاً به تهدید وجهه طرف مقابل می‌پردازند (Brown & Evinson, 1987: 61). همان‌گونه که گفته شد وجهه ممکن است تهدید شود و یا از دست برود، بنابراین اعمالی که به وجهه آسیب می‌زنند نیازمند تعدیل و اصلاح هستند. در واقع وقتی گوینده متوجه می‌شود که ادب را نقض کرده و به وجهه طرف مقابل آسیب‌زده است می‌تواند به کمک راهبردهای ادب که در نظریه براون و لوینسون مطرح شد، عمل خود را جبران نماید.

بیان آشکار یکی از این راهبردها است و زمانی از آن یاد می‌شود که طرفین گفتگو بدانند که گوینده با چه هدفی عمل تهدیدکننده وجهه را انجام داده است. ادب مثبت، راهبرد بعدی است که مواردی مانند توجه به علایق و خواسته‌های مخاطب، افزودن بر



علاقه و رغبت مخاطب، پرهیز از مخالفت و جستن توافق، ایجاد و ادعای زمینه مشترک با مخاطب و خوشبین بودن را شامل می‌شود. دیگر راهبرد ادب از نگاه این دو پژوهشگر، ادب منفی است که به بیان غیرمستقیم، به بدبین بودن، عذرخواهی و احترام گذاشتن اشاره دارد و راهبرد آخر بیان مبهم است که اشاره کردن، کم‌گویی، اغراق، همان‌گویی، استفاده از تعارض، سربسته صحبت کردن، تعمیم بیش‌ازحد و بیان ناقص را در برمی‌گیرد (رحمانی، ۱۳۹۵: ۷۲ - ۷۳).

نظریه بی‌ادبی کالپیر (۲۰۰۵) مانند نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) از پنج راهبرد تشکیل شده است که عبارت‌اند از: بی‌ادبی آشکار، بی‌ادبی مثبت، بی‌ادبی منفی، طعنه و خودداری از نشان دادن ادب. عبارت بی‌ادبی آشکار زمانی به کار می‌رود که وجهه در خطر زیادی است و نیز درجایی که گوینده قصد دارد به وجهه شنونده یا مخاطب حمله کند. بی‌ادبی مثبت شامل نادیده گرفتن، بی‌اعتنایی، نشان ندادن علاقه، توجه و همدردی، استفاده از نشانگرهای هویتی نامناسب و زبان سری و مبهم، به دنبال عدم توافق بودن، باعث ناراحتی و ناآرامی دیگران شدن، به کار بردن واژه‌های تابو، نام گذاشتن بر مخاطب و غیره است. بی‌ادبی منفی نیز مواردی نظیر ترساندن، تحقیر کردن، خوار شمردن، مسخره کردن، تجاوز به حریم دیگران، به‌وضوح دیگری را با ویژگی‌های منفی همراه کردن، منت گذاشتن و غیره است. طعنه هم به معنای ادب ساختگی است که هدف آن ناهماهنگی اجتماعی باشد و خودداری از ادب به سکوت کردن درجایی که عمل مؤدبانه مورد انتظار، ضروری و یا اجباری است گفته می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۴). در کامنت‌های آتشین که در فضای اینستاگرام ارسال می‌شود مصادیق گفته شده قابل شناسایی‌اند.

رویکرد ناقص در ارتباطات رایانه - واسط

رویکرد ناقص نامی است که به مجموع مدل‌های ارتباط و تکنولوژی اطلاق می‌شود و فرض اصلی آنان این است که ارتباط تکنولوژی-واسط به‌ویژه ارتباط رایانه واسط<sup>۱</sup> یا «سی. ام. سی» (که اغلب متکی به متن است) از کیفیت ارتباط چهره به چهره بی‌بهره است.

**مدل حضور اجتماعی:** حضور اجتماعی به سطوح تماس میان فردی و احساس صمیمیتی که در ارتباط تجربه می‌شود، بازمی‌گردد. حضور اجتماعی از طریق سرنخ‌های بصری مانند بیانات چهره‌ای، ژست‌ها و تماس چشمی منتقل می‌شود. اشکال متفاوت ارتباط از سطوح مختلفی از حضور اجتماعی برخوردار هستند. «سی. ام. سی» متن محور به دلیل فقدان سرنخ‌های دیداری در سطوح پایین قرار دارد (ترلو، ۱۳۹۰: ۸۴). در شبکه‌های اجتماعی مجازی که نوعی از ارتباط تکنولوژی واسط هستند، این فقدان سرنخ کمتر از ارتباط ایمیلی است اما در کامنت‌ها، نظردهنده فاقد حضور اجتماعی و سرنخ‌های مرتبط با آن است و با ارتباط چهره به چهره<sup>۲</sup> قابل مقایسه نیست.

**مدل فاقد سرنخ:** فاقد سرنخ بودن، غیاب تمام سرنخ‌های غیرکلامی برای مثال ژست‌ها، بیانات چهره‌ای، طنین صدا و نشانه‌ای هویتی مانند پایگاه اجتماعی، نقش‌های شغلی، سن و جنسیت است. معمولاً این سرنخ‌ها و نشانه‌ها بخشی از اطلاعات احساسی و اجتماعی را انتقال می‌دهند و این طریقی است که مردم به اصلی گفت‌وگو و شخصی که با آن صحبت می‌کنند، هدایت می‌شوند (ترلو، ۱۳۹۰: ۸۵). ارتباط بدون سرنخ‌های دیداری و فرازبانی جنبه مثبت و منفی دارد؛ وجه مثبت آن این است که پایگاه اجتماعی و ظاهر فیزیکی تأثیر کمتری بر ارتباط دارند و جنبه منفی آن ارتباط خودسرانه است. در ارتباطی که در یک شبکه اجتماعی نظیر اینستاگرام نیز برقرار می‌شود بسیاری از کاربران می‌توانند با این امکان به‌صورت ناشناس و یا با هویتی

---

1. Computer mediated communication (CMC)  
2. Face to Face (FtF)

ساختگی به فعالیت پردازند و از بسیاری از محدودیت‌های ناشی از هویت حقیقی خود رهایی یابند. فاقد سرنخ بودن یکی از سه مدل اصلی است که در رویکرد ناقص در حوزه ارتباطات رایانه محور مطرح شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی تحلیل مضمون انجام شده است. امرسون و همکاران (۱۹۹۵) تحلیل مضمون<sup>۱</sup> (تماتیک) را از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی دانسته‌اند. تحلیل مضمون یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است که به‌طور گسترده استفاده می‌شود اما به‌ندرت معرفی شده است. از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد (عابدی جعفری، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

تحلیل مضمون را تحلیل موضوعی یا درون‌مایه نیز می‌گویند، از این شیوه به‌خصوص در تحلیل متون شعری، ادبی و نظیر آن استفاده می‌شود. تحلیل تماتیک به بهترین وجه می‌تواند اهداف پارادایم‌های تفسیری و تأویلی مانند استخراج متن و الگوسازی معنایی را برآورده سازد. این رویه به خلاقیت محقق در جریان داده‌کاوی ارج می‌گذارد؛ به این معنا محقق می‌تواند شیوه و مراحل خاص خود را دنبال کند و به غنای این شیوه بیفزاید (محمد پور، ۱۳۹۲: ۶۸). یک مضمون دربرگیرنده‌ای مهم، درباره داده‌ها در رابطه با پرسش پژوهش است و مفهوم و معنای عمیقی از داده‌ها را بازنمایی می‌کند که حاصل کشف الگوی منظمی در روابط میان آن‌ها است. منظور از ویژگی تکراری و متمایز مضمون، آن است که در بخش‌های متعددی از متن داده‌ها و در قالب کلمات و اصطلاحات مختلف می‌توان مضمون را تشخیص داد؛ به‌عبارت‌دیگر مضمون روح حاکم بر متن است. مضمون، خاصیت مفهومی دارد و باید به‌واسطه

---

1. Thematic analysis

خودآگاه نظری پژوهشگر و تسلط وی بر چارچوب مفهومی پژوهش ساخته شود. (حسینی انجدانی، ۱۳۹۵: ۱۸ و ۱۷). در واقع در تحلیل مضمون با شناخت الگوهای کلام به توصیف راهبردها و رفتارها می‌رسیم.

شیوه‌های اجرای تحلیل مضمون نزد پژوهشگرانی همچون دپوی و گیتلن<sup>۱</sup>، ولکات، استریگ، میلز و هابرمین متفاوت است. در این تحقیق از شیوه دپوی و گیتلن در تحلیل مضمون استفاده شده است. این روش در کتاب «مقدمه‌ای برای تحقیق؛ فهم و استفاده از استراتژی‌های چندگانه» معرفی شده است. این نوع رهیافت که خاص مطالعات میدانی است، شامل چهار مرحله اصلی است که اولین آن، درگیری در تفکر قیاسی - استقرایی به‌طور هم‌زمان است. در واقع در این مرحله محقق مدام از نگاه درون میدان یا متن به نگاه از بیرون به میدان یا متن در حال گذار است. گام دوم، تدوین مضامین است که در جدول کدگذاری نظری مشخص می‌شوند و شامل رمزگذاری باز، متمرکز و گزینشی است (سید حسینی، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۱). این مراحل کدگذاری چکیده‌همانی است که فلیک (۱۳۹۳) به تفصیل در مبحث کدگذاری و مقوله‌بندی بیان می‌کند و در نهایت دو گام نهایی که دپوی و گیتلین عنوان می‌کنند گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع و در آخر کشف معانی و تم‌های زیرین است که عبارت‌اند از: ۱- درگیری در تفکر قیاسی - استقرایی به‌طور هم‌زمان: در این مرحله محقق بر روی یک پیوستار امیک (نگاه از درون میدان - متن) و اتیک (نگاه از بیرون میدان - متن) حرکت می‌کند. ۲- ساخت و تدوین مقوله‌ها: این مقوله‌ها از طریق فرآیند کدبندی متعارف ساخته می‌شوند، در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های اساسی (کدبندی متمرکز) شکل می‌گیرند. ۳- گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع: مقوله‌ها را می‌توان مجدداً بر اساس منطق مقایسه معنایی به سطوح بالاتری از انتزاع ارتقا داد. ۴- کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله بعدی نیز به آماده کردن گزارش

---

1. Depoy and Gitlin

تحقیق اختصاص دارد (محمد پور، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۸). استخراج مضامین از سطوح پایه تا انتزاع مضامین پوشیده‌تر، با عنوان مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر انجام می‌شود. آتریداستیرلینگ (۲۰۰۱) می‌گوید که مضامین پایه همان کدها و نکات کلیدی متن هستند و مضامین سازمان دهنده، مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و در نهایت مضامین فراگیر، مضامین عالی و دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل هستند.

در پژوهش کیفی، نمونه پژوهش یا مشارکت‌کنندگان، انتخاب یا دعوت می‌شوند. نمونه‌گیری هدفمند که نمونه‌گیری غیر احتمالی، هدف‌دار یا کیفی نیز نامیده می‌شود به معنای انتخاب هدف‌دار واحدهای پژوهشی برای کسب دانش یا اطلاعات است. با استناد به گفته براون و کلارک (۲۰۰۶) نمونه‌گیری در این روش به شیوه هدفمند صورت می‌گیرد و بر اساس آنچه تامس لیندلف می‌گوید، دستیابی به حد کفایت نیز تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه پیدا می‌کند. از آنجاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند، چقدر است. بنابراین، مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد (عابدی جعفری، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

از همین رو در این پژوهش، مطابق با نمونه‌گیری هدفمند، صفحات پرمخاطب سلبریتی‌های هنری داخل ایران در اینستاگرام مورد بررسی قرار گرفت. مبنای انتخاب تعداد دنبال‌کنندگان آن‌ها در نظر گرفته شد و صفحه‌های رسمی سلبریتی‌های هنری داخل ایران که در زمان انجام این پژوهش یک میلیون یا بیشتر از آن دنبال‌کننده داشتند گزینش و مطالعه شد. نحوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش از طریق دستورالعمل جامع انجام کدگذاری مضمونی به شیوه نظری در پیام‌های ثبت‌شده فالوورها انجام می‌شود. اطلاعات گردآوری شده در کامنت‌های پست‌های پربازدید صفحات سلبریتی‌های هنری داخل ایران، ارزیابی، توصیف و تحلیل شدند. با توجه به کیفی

بودن روش و همچنین انعطاف تحلیل مضمون؛ تعیین قطعی حدود نمونه‌ها دشوار بود؛ زیرا گستره مفاهیم و مضامین یافت شده خشونت کلامی در کامنت‌ها صرفاً در چارچوب نظری پژوهش نمی‌گنجد.

در این تحلیل با الگوسازی معهود پژوهش‌های پیشین با روش تحلیل مضمون، کامنت‌ها در طول یک هفته آماری چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت و سپس طبق چارچوب نظری اظهارنظرهایی که حاوی خشونت کلامی بودند شناسایی و جدا شدند. پس‌از آن، الگوهای اساسی و کلی خشونت کلامی در این کامنت‌ها استخراج و در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شدند. در مرحله بعدی دو سطح انتزاعی‌تر از مضامین طبق تعاریف آترید استرلینگ (۲۰۰۱) و براون و کلارک (۲۰۰۷) شناسایی شده و طی جداول نه‌گانه معرفی شدند. در مرحله آخر با رویکرد توصیفی - تحلیلی به شرح مضامین استخراج شده، پرداخته شد. در بررسی‌های انجام شده، در میان صفحات رسمی سلبریتی‌های هنری (شخصیت‌های حقیقی) حاضر در ایران در شبکه اجتماعی اینستاگرام، تعداد ۴۶ صفحه یافت شد که در زمان آغاز این پژوهش به‌عنوان صفحه‌های پربازدید بالای یک‌میلیون یا بیشتر دنبال‌کننده داشتند. در این صفحات کامنت‌هایی که حاوی انواع خشونت و پرخاشگری کلامی هستند مورد بررسی و تحلیل مضمون قرار گرفت. نام و اطلاعات این صفحات در جدول پیش رو آمده است:

جدول ۱- مشخصات صفحه‌های انتخاب شده

ردیف	نام صفحه شخصی	تعداد دنبال‌کنندگان	زمینه فعالیت و جنسیت
۱	مهناز افشار	۶,۹	بازیگر زن
۲	رامبد جوان	۶,۴	بازیگر مرد
۳	بهنوش بختیاری	۶,۲	بازیگر زن
۴	الناز شاکر دوست	۶,۱	بازیگر زن
۵	سحر قریشی	۵,۹	بازیگر زن

بازیگر زن	۵,۲	بهنوش طباطبایی	۶
بازیگر زن	۵,۲	ترانه علیدوستی	۷
بازیگر مرد	۵,۱	محمدرضا گلزار	۸
خواننده مرد	۴,۵	twoafm آرمین	۹
خواننده مرد	۳,۹	امیر تتلو	۱۰
بازیگر مرد	۳,۴	بهرام رادان	۱۱
بازیگر مرد	۳,۴	رضا عطاران	۱۲
کمدین مرد	۳,۴	حسین ریوندی	۱۳
بازیگر مرد	۳,۲	شهاب حسینی	۱۴
بازیگر زن	۳	مهرآوه شریفی‌نیا	۱۵
بازیگر زن	۲,۸	بهاره رهنما	۱۶
بازیگر زن	۲,۷	نیکی کریمی	۱۷
بازیگر مرد	۲,۵	محسن تنابنده	۱۸
بازیگر زن	۲,۳	پریناز ایزدیار	۱۹
بازیگر مرد	۲,۲	پوریا پورسرخ	۲۰
خواننده مرد	۲,۱	بابک جهانبخش	۲۱
بازیگر مرد	۱,۹	کامبیز دیرباز	۲۲
بازیگر زن	۱,۹	سحر دولتشاهی	۲۳
بازیگر مرد	۱,۸	مهدی پاکدل	۲۴
بازیگر مرد	۱,۸	سام درخشانی	۲۵
خواننده مرد	۱,۷	سیروان خسروی	۲۶
بازیگر مرد	۱,۷	هومن سیدی	۲۷
بازیگر زن	۱,۶	ساره بیات	۸۲
بازیگر مرد	۱,۶	امیر جعفری	۲۹

نویسنده طنز مرد	۱,۵	مهراب قاسم‌خانی	۳۰
بازیگر مرد	۱,۵	احمد مهران فر	۳۱
بازیگر زن	۱,۴	لیلا اوتادی	۳۲
خواننده مرد	۱,۴	فرزاد فرزین	۳۳
خواننده مرد	۱,۳	بنیامین بهادری	۳۴
مجری مرد	۱,۳	احسان علیخانی	۳۵
بازیگر زن	۱,۳	فریبا نادری	۳۶
بازیگر مرد	۱,۳	سیاوش خیرابی	۳۷
بازیگر زن	۱,۳	باران کوثری	۳۸
بازیگر مرد	۱,۲	نوید محمدزاده	۳۹
بازیگر زن	۱,۲	گلاره عباسی	۴۰
بازیگر زن	۱,۲	پرستو صالحی	۴۱
بازیگر مرد	۱,۲	پژمان بازغی	۴۲
بازیگر زن	۱	ملیکا شریفی‌نیا	۴۳
خواننده مرد	۱	شهاب مظفری	۴۴
خواننده مرد	۱	محسن چاوشی	۴۵
بازیگر مرد	۱	پژمان جمشیدی	۴۶

### یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۲ دیده می‌شود؛ مضامین خشونت کلامی در کامنت‌ها را می‌توان در ۹ دسته طبقه‌بندی و نام‌گذاری کرد. از همین رو مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر در جداول نُه‌گانه در ادامه آورده شده‌اند. در واقع برای هر دسته از مضامین پایه که در جدول ۲ (دسته شماره ۱ تا ۹) آمده، یک جدول جداگانه جهت



«خشونت کلامی» در فضای مجازی ... ۲۵

معرفی دو سطح دیگر از مضامین تنظیم و شکل ارتباط شبکه‌ای میان آن‌ها ترسیم شده است.





<p>اعضای خانواده، حضور در عرصه هنر به واسطه رابطه خانوادگی و دوستی، توهین و ناسزا به نزدیکان، زندگی شخصی اعضای خانواده</p>	<p>- پیر شدی کسی بهت زن نمی‌ده، می‌گم پوریا پورسرخ بیاد بگیردت - انقدر دنبالش راه افتادی آخر هم نگرفتت - تو فکر کردی با این قیافهات گلزار میاد می‌گیردت - تو انگشت کوچیکه مهرآوه هم نیستی، شوهر گیرش بیاد صلوات. بی غیرت - حال به هم زنت از خودت زن شارلانتانه که بی شرف و نکبته - مامان بابات طلاق گرفتن؟ - به خاطر بابات بهت نقش می‌دن، آگه مامان بابات نبودن معلوم نبود چه‌کاره باشی - سینما همش فامیل بازی و بندبازی.</p>	۲
<p>چاقی، لاغری، جراحی و اعمال زیبایی، زیباسازی دندان، تصنعی بودن چهره، تمسخر سبک لباس پوشیدن، خارج از عرف، تقلید از ستارگان هالیوودی و خواننده‌های لس‌آنجلسی، تمسخر استایل عکس‌ها، تشبیهات توهین‌آمیز گیاه‌خواری، غربی بودن، کافه گردی، شرکت در مراسم‌های مختلف، حیوان خانگی</p>	<p>خدایی خیلی زشتی، زشت، بی نهایت زشتی حالا با کلی آرایش اینی، ماست، چشمت چپه، شبیه عجززه‌ها شدی، خخ قیافه رو، برو مو بکار قابل تحمل بشی، چرا انقدر زشتی آخه؟، اوه مای شت فاطمی کیاندو ههههه، خل و چل این چه تیبیه، دلکک زشت، دلکک شدی، چقد خز و خیل، شبیه گداها شدی اینجا، چقد جلف، خخ چه مسخره، ویییی عقققق، بانوی لوس و پرادای ایران، عه عه عه چه بیمزه، لباست عین کولی‌هاست، فکر کردم گدای سر چهارراهی با این تیپت، مثلاً شماها که علف می‌خورید خیلی باکلاسید - پلاسی تو این کافه‌ها - مفت باشه کوفت باشه، هر جا بگن تشریف فرما می‌شی - تو که همه جا هستی نخود هر آش - از افتتاح سوپر گوشت تا تبلیغات دستگیره و دم کنی حضور فعال داری - خیلی خارجی مثلاً با اون عینکت - نمی‌دونم ایران خودمون چی کم داره که شما هنرمندا</p>	

<p>اطلاعات عمومی، تحصیلات مرتبط، آگاهی از مسائل فرهنگی، کتابخوانی</p> <p>آشنا نبودن به زندگی شهری، عدم رعایت هنجارهای اجتماعی، بی‌اصل‌ونسب بودن، ایرانی نبودن، استفاده از نام یک قوم با اصالت به‌عنوان ناسزا، برچسب بی‌سواد، بی‌تمدن بودن، عقب‌ماندگی، بی‌کلاسی، نسبت دادن ویژگی‌ها و صفت‌های خاص و ناپسند به آن قومیت، خودبرتربینی قومی</p>	<p>آن قدر له له اونورو می‌زنید عقده‌ای‌ها، تو مگه نماز نمی‌خونی نجسه اون، اون چیه گرفتی دستت حاله بهم خورد. ادعای مسلمونیت هم می‌شه بعد به سگ دست می‌زنی. انقدر خرج این توله می‌کنی یک کم هم به فکر مردمت باش.</p> <p>برو یک کم روی سوادت کار کن - خیلی بی‌سوادی - به جای این ادا بازی‌ها بشین چهارتا کتاب بخون که با اون اطلاعات عمومی پایینت آبرومون را بردی، نا سلامتی بازیگری نمی‌دونی تو سینما چی می‌گذره، اول برو املا یاد بگیر بعد بیا پست بذار.</p> <p>افغانی بی‌سواد - خانم افغانی خخخ - بدبخت افغانی - اصلاً دهاتی بودن ازش می‌باره - بلد نیستی با آیفون کار کنی بدبخت دهاتی - از کدوم دهات فرار کردی - لب‌ولوچه‌ات تو خیابون جمع کن افغانی - لباس‌هاتو از صندوق ننه‌جونت درآوردی دهاتی - شهرستانی بودن ازت می‌باره امل - انگار راست می‌گن دختر تهرونی‌ها پاچه‌پارن - نسل اندر نسل خرید دیگه عملش هم نمی‌شه کرد.</p>	
<p>تحقیق و تمسخر نقش‌آفرینی در فیلم‌های</p>	<p>خیلی فیلم‌ها مزخرفن یا بازی نکن یا فیلم‌های درست بازی کن - شونه تخم مرغیه؟ - تو هر فیلمی بازی کنه فیلم</p>	<p>۳</p>

<p>ویدیویی، حضور در سریال‌هایی بی کیفیت</p> <p>کنایه به پرکار بودن، مقایسه تحقیرآمیز با دیگر هنرمندان، بازیگر شدن به صرف زیبایی چهره، حضور در عرصه هنر به واسطه باندا بازی، تمسخر شیوه و سبک کار هنری ترانه‌های خواننده</p>	<p>بیخودیه خودش هم اینو می دونه - سطح فیلمات پایینه - واقعاً که ... شما یه مشت بازیگر مطرح سینمایی یه کشور بلندشین یه فیلم...تخیلی و در حد برنامه کودک و بی مضمون و محتوا بسازین - فیلم زیاد بازی می کنی ولی فیلمات هیچ کدوم مال نیست چرته کم بازی کن ولی خوب بازی کن این جنگولک بازیها هم بدرد نمی خوره، مزخرف‌ترین فیلم‌ها را بازی می کنی، خداییش این فیلم چرت چیه بازی کردی؟ - فیلمات درپسته - چطوری روتون می شه این فیلم‌های الکی و چرت را بسازین؟ - فیلم‌های آبکی می سازن خجالت هم نمی کشن - شونه تخم مرغیه؟؟ - جدیداً شر و ور می خونیا - تو کنسرتات که فقط ملت می خونن.</p> <p>چرا همش هستی؟ - آبگوشت - بازیگر نما - دوزاری - با این فیلم‌هایی که شما به اصطلاح بازیگرها توش نقش آفرینی می کنید آبروی هنر سینمای ایران می‌ره - حیف پولی که بهت بدن، البته از جای دیگه جبران کنی خوبه.</p>	
<p>مردمی نبودن، عامل حکومت، بهره مندی از مواهب قدرت، مزدوری، منفعت‌طلبی، مبلغ سیاسی بودن، آلت دست بودن</p>	<p>بمیر پاچه‌خوار، چقدر بهت پول دادن تبلیغ کنی؟، جیره‌خور، آفتاب پرست، ترسو، خودفروخته، خائنین را ببین، لعنت به تو فتنه گر، لعنت بر منافق، هنرمند جناحی، نصف...نیستی که از مردم دفاع کنی، از اون قیافه کریهت معلومه به کی رأی دادی. حالا که طرفداراش امثال تو هستن عمراً آگه رأی بدم. شما گشنگی نکشیدید که به این رأی می دین، شما هنرمندا فقط تو</p>	<p>۴</p>

<p>عدم توجه به رویدادهای سیاسی، بی‌سوادی، جهل به سیاست</p>	<p>فکر منافع خودتونید و گرنه بهش رأی نمی‌دادین. آخه تو از این حرف‌ها چی سرت می‌شه. کم مونده بود به توصیه‌های سیاسی توی دلکک گوش بدیم - همه دارن واسه انتخابات پست می‌ذارن تو توی هپروتی.</p>	
<p>درآمد بالا و بی‌حساب و کم زحمت، قدرت خرید بالا، بهره‌مندی از امکانات لوکس رفاهی، ثروت خانوادگی</p> <p>خوشبختی کامل، بی‌خبری از مشکلات مردم، بی‌غم و غصه بودن، بی‌خبری از شرایط اقشار مختلف مردم، عدم آگاهی از شرایط رفاهی عامه مردم، شکم‌سیری</p>	<p>۵ برای شما پولدارها که بد نشد، هیچی از درد ملت نمی‌دونید متأسفم براتون، انقدر ادا اطوار نکش مرگ ما در نیارید کمی به فکر مردم باشید، تو که پولداری به خودت برس، به خدا بهترین شغل تو ایران همین بازیگریه یه مشت فیلم...بازی می‌کنید و پول کلان می‌گیرید.</p> <p>یه ذره خوشبختیتو بده به ما بد نیست یک کم غصه بخوری - خوشی زده زیر دلت - یک کم با مردم باش.</p>	
<p>بهره‌هوشی پایین، بی‌دست و پایی، فاقد توانایی در فعالیت‌های اجتماعی، ضعف جسمی و روحی، عادی‌سازی خشونت علیه زنان</p> <p>برچسب‌زنی به همه مردان، محتاج زنان،</p>	<p>۶ شما خانم‌ها فقط خرابکاری بلدین، سگ و زن اشتراک‌شون فقط تو وفاداریشون، به نظر من یه چوب تو سر سگ و یه چوب تو سر زن، شما زن‌های کم‌عقل که دنیا را قبضه کردین دیگه چی از جونمون می‌خواین؟، دختر است دیگه، دختری دیگه عقل نداری فقط احساسات اونم واسه بعضیا.</p> <p>شما مردها لیاقت وفاداری سگ را ندارید چه برسه به زن، مردها همشون خیانت‌کار و تنوع‌طلبین، چقدر ملوسی... چند</p>	

<p>رفتار زنانه داشتن</p>	<p>بار کتک خوردی که انقدر دل پرخونی داری از خانوما؟، مردا بدون زنان نابودن حتی دماغشونم نمی‌تونن بکشن بالا، زن می‌تونه پنج‌قلو بچه بیاره و حتی بیشتر اما مردها به‌زور نفس می‌کشن.</p>	
<p>توهین جنسی به اعضای خانواده، توهین جنسی به خود فرد، توهین جنسی به فضای کار و زندگی ابراز علاقه همراه با بی ادبی کلامی جنسی، ابراز تمایلات بیمارگونه جنسی نگاه‌های جنسی و تحقیرآمیز به زنان</p>	<p>کامنت‌های حاوی مضامین رکیک و توهین‌آمیز<sup>۱</sup></p>	<p>۷</p>
<p>بدحجابی، جلب توجه، ابراز وجود به‌جا آوردن فرایض دینی مثل نماز و روزه</p>	<p>زنت فکر کرده تو اون همه زن چادری با اون موه‌های مزخرفش خیلی شاخه؟ - می‌خوای چی رو ثابت کنی این ریختی می‌گردی - بعد می‌گن فساد تو سینما نیست آخه این چه وضع حجاب - شما الگویی خیر سرت روت می‌شه اینا رو می‌پوشی - فکر جوون‌های مردم را بکنید به خدا گناهه این آرایش و این وضع حجاب - مثل این که شرط اصلی بازیگری بدحجابیه - خجالت بکش با اون حجابت.</p>	<p>۸</p>

۱. در اینجا، از بازگو کردن کامنت‌های با مضامین جنسی، به دلیل حجم بالایی از واژه‌های رکیک و زشت و به دلیل رعایت ادب و احترام به مخاطبان، صرف‌نظر شده است.

<p>و حج، خارج شدن از دین، رابطه خارج از عرف با جنس مخالف</p>	<p>فراماسون شیطان پرست - شما آگه دین و ایمون سرتون می شد تو این فیلم های مبتذل بازی نمی کردید - دین که نداری لااقل آزاده باش. خجالت بکش تو این شب های عزیز - همش ور دل همید - فساد مگه شاخ و دم داره - نکنه فکر کردی واقعاً شوهرته که این جور باهاش عکس می‌ذاری.</p>	
<p>حمایت از حیوانات، حمایت از محیط زیست، حمایت از ترنس ها، دفاع از حقوق زنان، حمایت از برگزاری کنسرت</p>	<p>ریاکار، پز روشنفکری نده، این مملکت هیچ مشکل دیگه ای نداره فقط مونده حقوق هاپوها، مردم نون ندارن بخورن تو غصه سگ ها را می خوری، این سلبریتی های مرفه چی می فهمن از درد جامعه تمام دغدغه شون کنسرت و هواپیما و این مزخرفاته.</p>	<p>۹</p>

بر اساس مضامین پایه‌ای که در جدول (۲) مبتنی بر کامنت‌ها و اظهارنظرهای فالوئر‌ها در صفحات شخصی سلبریتی‌های هنری داخل ایران استخراج شد، تعداد ۹ جدول طراحی شده که در آن‌ها مضامین خشونت کلامی که در طی پژوهش و از طریق مطالعه نمونه‌ها شناسایی شده، آورده شده‌اند. این مضامین در سه طبقه‌بندی مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر قرار گرفته‌اند. توصیف و تحلیل هر جدول، در توضیحات پایین هر یک از این جداول بیان شده است. باید افزود که مضامین ذکر شده در جدول زیر استخراج شده از داده‌های متنی است که خشونت کلامی در آن‌ها بارز است و این مضامین بدون هیچ ترتیبی آمده‌اند.

### جدول ۳- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه شماره "۱"

مضمون	مضامین سازمان	مضامین پایه
-------	---------------	-------------



فراگیر	دهنده	
زندگی شخصی سلبریتی	اختلافات شخصی	خیانت / کینه داشتن / هوچی‌گری / سنگدلی / بی‌انصافی / ضعیف بودن
	ازدواج	تحقیر همسر / بی‌لیاقتی نسبت به همسر / تعدد ازدواج / مخفی کردن ازدواج
	جدایی	تعمیم طلاق و شکست در زندگی مشترک به همه هنرمندان / مقصر دانستن سلبریتی / پرسش درباره تصمیم جدایی و جست‌وجو در علت آن
	تجرد	اتهام فساد / بی‌بندوباری / موردپسند واقع نشدن / تنهایی همیشگی / ناتوانی در ازدواج / آرزوی ازدواج
	نزدیکان	فعالیت‌های اجتماعی اعضای خانواده / حضور در عرصه هنر به‌واسطه رابطه خانوادگی و دوستی / توهین و ناسزا به اعضای خانواده / زندگی خصوصی اعضای خانواده
	ظاهر	بدن / پوشش / ژست / گیاهخواری / غربی بودن / کافه گردی
	سبک زندگی	شرکت در مراسم‌های مختلف / حیوان خانگی
سواد و آگاهی	اطلاعات عمومی / تحصیلات مرتبط / آگاهی از مسائل فرهنگی / کتابخوانی	

### توصیف جدول شماره ۳: خشونت کلامی بر پایه زندگی شخصی هنرمند

نخستین مضمون فراگیری بود که از کامنت‌های مطالعه شده، استخراج شد. برخی کامنت‌ها حاوی مضامین پایه‌ای همچون هوچی‌گری، خیانت، کینه داشتن، سنگدلی، بی‌انصافی و ضعیف بودن بودند. برای نمونه در یک کامنت که زیر پست یک مجری-

بازیگر مرد درج شده، نوشته شده است: «خیلی مردی ولی حیف به زنت خیانت کردی آگه نمی‌کردی بدونه بودی». تصویری که این کامنت زیر آن ثبت شده است عکس قسمت جدید برنامه تلویزیونی این سلبریتی است و ظاهراً هیچ ارتباطی میان آن و اظهار نظر درج شده وجود ندارد. این مورد و نمونه‌های دیگر که در ادامه بیان می‌شوند نشان می‌دهد که لزوماً میان کامنت آزاردهنده و پست رابطه مستقیمی وجود ندارد. در واقع کامنت آتشین الزاماً مربوط به یک پست جنجالی نیست. در همین نمونه ذکر شده کاربر با بیانی طعنه‌آمیز و سرزنش کننده درباره زندگی زناشویی سلبریتی و اختلافات شخصی او، ابراز اطلاع و عقیده می‌کند؛ اتهام خیانت به سلبریتی مضمون بارز این کامنت است. در نمونه دیگر ذیل پست یک خواننده که در آن درباره همکاریش بدون آوردن نام انتقاد کرده است، کامنت‌های حاوی خشونت کلامی مشاهده شد که یکی از آنان می‌گوید: «دنبال دعوا می‌گرددی یا تنت می‌خاره انگار، چاقوکش فرهنگی». در این کامنت خواننده مورد نظر به صورت ضمنی متهم به هوچی‌گری شده است. نمونه‌های بیان شده نشان می‌دهند که مضامین پایه در این بخش، مضمون سازمان دهنده‌ای با عنوان اختلافات شخصی دارند. در این گروه از کامنت‌ها که تقریباً در تمام صفحات مورد بررسی یافت شد؛ کاربران با دست گذاشتن روی اختلافات شخصی هنرمند که گاه به صورت علنی از طریق رسانه‌ها عنوان شده‌اند و یا حتی در حاله‌ای از ابهام چون شایعه هستند؛ سعی در آزار و یا تحت فشار قرار دادن هنرمند به دلایل گوناگون دارند. مشاهده شد که این اختلاف‌های شخصی گاه در محیط حرفه‌ای و با همکاران، مسئولین و مدیران است و گاه با دوستان و خانواده، که هر کدام از آن‌ها مضامین گوناگونی را شامل می‌شوند یعنی در بطن خود مضامین پایه متفاوت اما نزدیک به هم دارند.

ازدواج، جدایی و مجرد جز مضامین سازمان‌دهنده دیگری هستند. برای مثال ازدواج از مضامین پایه‌ای همچون: تحقیر همسر سلبریتی، بی‌لیاقتی نسبت به همسر، تعدد ازدواج و مخفی کردن ازدواج در کامنت‌ها استخراج شده است. در واقع جان کلام و تم اصلی تمام کامنت‌هایی که با بیانی آزاردهنده در مورد تأهل سلبریتی به بحث،

مجادله و یا تمسخر و تحقیر می‌پردازند، ازدواج است. موضوعی که کاملاً به زندگی خصوصی سلبریتی ارتباط دارد، نه آن وجهی که به واسطه آن به شهرت رسیده است. در واقع مضامین سازمان دهنده برمدار اختلافات شخصی، ازدواج، جدایی، تجرد، اعضای خانواده و سبک زندگی هنرمند می‌گردد. افراد با دستمایه قرار دادن یکی از این موارد از طریق مصادیق گوناگون به طرح خشونت کلامی می‌پردازند. سومین مضمون سازمان دهنده جدایی است. مضامین پایه‌ای همچون تعمیم شکست در زندگی مشترک و طلاق به همه هنرمندان، مقصر دانستن سلبریتی در جدایی و حکم صادر کردن برای او، پرسش مکرر درباره تصمیم جدایی و جست‌وجوی علت آن، در کامنت‌ها مشاهده شد. محور همه این کامنت‌ها جدایی است. جمله‌هایی که با کلماتی نظیر «همه بازیگرها...» آغاز می‌شوند سعی در تعمیم دادن یک ویژگی به یک قشر خاص و البته جمع بستن آن‌ها دارد. برای مثال در بسیاری از کامنت‌ها مشاهده شد که با تحقیر فرد، ازدواج و انتخاب او به‌عنوان همسر را از سر شانس و اقبال تفسیر می‌کنند و او را به دلایل مختلف از جمله ویژگی‌های ظاهری و مالی نسبت به همسرش بی‌لیاقت معرفی می‌کنند. در این نمونه از خشونت کلامی، گوینده با هدف قرار دادن همسر فرد موردنظر در خشونت مستتر و یا آشکار در کلامش، دست‌کم دو نفر را هدف قرار می‌دهد. همچنین مشاهده شد که در تعدادی از کامنت‌های این بخش از ناسزاهای تشبیهی برای تحقیر و تمسخر همسر استفاده شده بود. بر اساس آنچه پیش‌ازین از خدیوی زند (۱۳۸۸) پیرامون ناسزا شناسی نقل شد، تشبیه کردن انسان به حیوانات، گیاه، جمادات و غیره می‌تواند بار منفی و توهین‌آمیز داشته باشد که در اینجا نمونه‌های از آن یافت شد که در جدول بالا آمده است. این ناسزها که اغلب در پی تمسک به ویژگی‌های ظاهری فرد بیان می‌شود او را به حیوان، گیاه یا شیء شبیه می‌داند که در فرهنگ ما توهین‌آمیز و موجب خنده تلقی می‌شود و وجهه فرد را نزد دیگران خدشه‌دار می‌کند. هرچند در این دسته‌بندی تمسخر ظاهر و چهره مطرح است. خشونت کلامی با مضمون سازمان دهنده

«ظاهر» مورد دیگری است که در این پژوهش به صورت استخراج شده است. این مضمون که در جدول نیز آمده است زمانی است که با بیانی تند و تمسخرآمیز، بدن، ژست و پوشش سلبریتی مورد حمله قرار می‌گیرد. خشم از این جنبه خصوصی زندگی سلبریتی چه از سر حقیقت و چه احساس حسادت باشد، نوعی فرافکنی است. تجرد، مضمون سازمان دهنده دیگری است که از آن برای خشونت‌ورزی کلامی در کامنت‌ها بهره گرفته شده است. اساساً خانواده تعلقی است که می‌تواند برای امتیازدهی و یا سلب امتیاز از شخص مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه در فرهنگی مانند فرهنگ ایرانی که در آن خانواده از جایگاه رفیع و اهمیت بالایی برخوردار است. به دلیل همین اهمیت، تشکیل خانواده همان قدر می‌تواند فرد را تحت فشار قرار دهد که تجرد در سن بالا (مسئله‌ای که از منظر دین اسلام و عرف ما مذموم شمرده می‌شود). از این رو می‌تواند به عنوان نقطه ضعف، مستمسکی برای تحت فشار قرار دادن فرد و آسیب زدن به وجهه او باشد. در برخی از کامنت‌ها با این مضمون، سلبریتی‌های زن و مرد، به نحوی مورد هجمه حرف‌ها و کنایه‌های ناخوشایند قرار می‌گیرند. در این مورد مردان بیشتر به عدم مسئولیت‌پذیری، بی‌بندوباری و خوش‌گذرانی متهم می‌شوند و بانوان در این مورد بیشتر تحقیر می‌شوند. برای مثال در کامنت‌ها این زنان هستند که به دلیل تنها بودن و آنچه انتخاب نشدن عنوان می‌شود مورد تمسخر قرار می‌گیرند و با کنایه مطرح می‌شود که زنان برای پیدا کردن همسر تلاش بسیاری می‌کنند اما نتوانسته‌اند موفق باشند. نمونه‌های آورده شده از این نوع کامنت‌ها، شاهد این ادعا است. تمام این‌ها نشان می‌دهد که پرخاشگران تجرد این افراد را نقطه ضعفشان محسوب می‌کنند و یا دست‌کم آن را اهرمی برای فشار آوردن به سلبریتی و قدرت‌نمایی خود می‌دانند. مضمون سازمان دهنده دیگری که از برخی کامنت‌ها استخراج شد؛ تم نزدیکان است. در این مورد فرد به طرق گوناگون از اعضای خانواده و نزدیکان مخاطب مورد نظرش در جهت تأثیرگذاری بیشتر خشونت کلامی استفاده می‌کند. در این اقدام نیز خشونت کلامی همچنان از زندگی شخصی هنرمند بهره

می‌برد. در این کامنت‌ها، جامعه هدف خشونت کلامی، خانواده فرد و فعالیت‌های آن‌ها می‌باشد.

در ششمین دسته از مضامین که در جدول بالا عنوان شده است. به مضامینی می‌رسیم که مضمون سازمان دهنده آن‌ها «سبک زندگی» سلبریتی است. مقصود کامنت‌هایی است که مضمون پایه آن‌ها تمسخر سبک زندگی و اعمالی همچون کافه گردی، نگهداری از حیوان خانگی و شرکت فعال و مداوم در مراسم‌های مختلف نظیر افتتاح یک برند، جشنواره‌ها و غیره است. وقتی این بخش از زندگی یک سلبریتی مضمون خشونت کلامی علیه او است، می‌توان گفت که این بخش نیز حاوی مضمون فراگیر زندگی شخصی است. آخرین مضمون سازمان دهنده در این جدول، سواد و آگاهی است، که از مضامین پایه‌ای چون کتابخوانی، سطح تحصیلات، تحصیلات مرتبط و اطلاعات عمومی انتزاع شده است. در کامنت‌هایی که چنین مضامینی دارند، بازیگر یا خواننده به دلیل آنچه بی‌سوادی خواننده می‌شود مورد استهزا و هجمه قرار می‌گیرد. این دسته از اظهارنظرها یا بر اساس واقعیت هستند (برای مثال اطلاعات ناکافی و یا غلط بازیگر در مورد سینما در یک مصاحبه تلویزیونی) یا بدون استناد و تخیلی؛ هر چه که باشد بیان چنین اظهارنظرهایی با زبانی تلخ، مصداق بارز خشونت کلامی محسوب می‌شود.

به‌طور کلی با نگاه به مضامین به‌دست‌آمده در جدول شماره ۳، این نتیجه حاصل می‌شود که اولین مضمون فراگیر (انتزاعی‌ترین سطح مضامین از منظر پژوهشگر) خشونت کلامی در کامنت‌های مطالعه شده، زندگی شخصی سلبریتی است. در این دسته از کامنت‌ها، تم اصلی و پرتکرار پیام‌های آتشین در اظهارنظرها به‌طور کلی زندگی شخصی هنرمند است و اغلب حاوی این پیام است که وجوه مختلف زندگی شخصی و خصوصی خواننده و یا بازیگر، نقاط ضعف بسیاری دارد که باید مردم این نیمه از زندگی او را نیز ببینند و حق اظهارنظر درباره آن را دارند. حال آن که برخی از

سلبریتی‌ها از به اشتراک‌گذاری لحظات خصوصی زندگی خود (از کتاب خواندن در خلوت تا تصاویر خانوادگی) خودداری می‌کنند اما مشاهده شد که این برخورد نیز تفاوت چندانی در اظهارنظرهای پرخاشگرانه ندارد. زیرا حواشی یا شایعه‌ها پیرامون سلبریتی اغلب راهی برای درز کردن دارند.

جدول ۴- خشونت کلامی مبتنی بر "مضامین پایه شماره ۲"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
قومیت و اصل و نسب	تحقیر و تمسخر به‌صرف انتساب	آشنا نبودن به زندگی شهری / عدم رعایت هنجارهای اجتماعی / بی‌اصل و نسب بودن / ایرانی نبودن / استفاده از نام یک قوم با اصالت به‌عنوان ناسزا / برچسب بی‌سواد به یک قوم / بی‌تمدن بودن و عقب‌ماندگی / بی‌کلاسی / نسبت دادن ویژگی‌ها و صفات خاص و ناپسند به آن قومیت / خود برترینی قومی یا اصالت

**توصیف جدول ۴:** در گروهی از کامنت‌ها که با خشونت کلامی همراه بود، مضمون فراگیر و مشترک «قومیت» استخراج می‌شود. در این دسته از اظهارنظرها، اصل و نسب هنرمند به‌عنوان نقطه‌ضعف شناخته می‌شود که می‌توان با آن، به تحقیر و تمسخر فرد پرداخت. این که هنرمند به‌صورت رسمی اعلام کرده باشد که متعلق به کدام قوم و ملت است برای اظهارنظر کنندگان فرقی نمی‌کند. مشاهده می‌شود که تنها یک شایعه و یا شباهت ظاهری برای این دسته از اظهارنظر کنندگان کافی است تا آن‌ها شخص مورد

نظر را به یک قوم و ملت منتسب کنند، به او برچسب بزنند و گویی همین انتساب برای تحت فشار قرار دادن، کنایه و یا حتی توهین و تحقیر او کافی است. مضمون سازمان دهنده تم فراگیر قومیت بر مدار تحقیر و تمسخر به صرف انتساب و زیر سایه تفکرات قالبی پیرامون اقوام و اصالت‌ها می‌گردد. در نمونه‌های مطالعه شده افکار قالبی در مورد اقوام و ملت‌های مختلف به چشم می‌خورد و ضمن آن صفات ساختگی تازه‌ای نیز دیده می‌شود. پرخاشگران کلامی، خشم خود را با دستمایه قرار دادن ریشه و نسب هنرمند به او اعلام می‌کنند و دلیل عدم موفقیت، نازیبایی و دیگر ناکامی‌هایش را همین پس‌زمینه قومی معرفی می‌کنند. بیگانه بودن و نداشتن خون ایرانی دستمایه‌ای است که از آن برای تحت فشار قرار دادن و زیر سؤال بردن وجهه سلبریتی استفاده می‌کنند. مضامین این‌چنینی وقتی زیر یک مطلب درباره ایران و یا مشارکت سیاسی بیان می‌شوند اساس تفکر و ریشه‌های سلبریتی را نزد دیگر دنبال‌کنندگان نیز دچار خدشه می‌کنند. مضمون یافت شده در برخی کامنت‌ها ریشه در تفکرات قالبی تاریخی و گاه منعکس شده در جوک‌های قومیتی دارد و از نگاه قالبی، دسته‌بندی کردن آدم‌ها و امتیازدهی به آنان بر اساس اصالت‌شان سرچشمه می‌گیرد.

جدول ۵- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۳"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	درجه کیفی آثار	تحقیر و تمسخر نقش‌آفرینی در فیلم‌های ویدیویی / حضور در سریال‌هایی با درجه کیفی پایین

جایگاه و مقام حرفه‌ای	هنرمند نبودن	کنایه به پرکار بودن / مقایسه تحقیرآمیز با دیگر هنرمندان / بازیگر شدن به صرف زیبایی چهره / حضور در عرصه هنر با واسطه (رابطه) / باندبازی تمسخر شیوه و سبک کار هنری / ترانه‌های خواننده
-----------------------	--------------	--

**توصیف جدول ۵:** بخشی از خشونت کلامی مطالعه شده، مضامین تحقیرآمیز دارند و بازیگر را در رده بازیگران فیلم‌های تجاری خطاب و او را فاقد دانش بازیگری، بینش و آگاهی موردنیاز برای یک هنرمند توصیف می‌کنند؛ موفقیت او را وابسته به خانواده، پول و صرف ظاهری زیبا عنوان می‌کنند. این موارد را می‌توان در یک مضمون فراگیر مشترک جست‌وجو کرد و آن جایگاه و مقام حرفه‌ای هنرمند است. برخی اظهارنظرکنندگان از شرایط کاری و جایگاه هنرمند در حرفه‌اش برای حمله کردن به او استفاده می‌کنند. از مضامین سازمان دهنده این مضمون، تمسخر درجه کیفی آثاری است که هنرمند به‌عنوان بازیگر در آنها حضور دارد و یا به‌عنوان خواننده آن را منتشر کرده است. اثر هنرمند منفک از او نیست و گاه می‌تواند دستاویزی باشد که از آن برای تمسخر و تحقیر او و مخدوش کردن وجهه و اعتبار هنری‌اش در نزد مردم و مخاطبان استفاده می‌شود. مضامین فراگیر این مضمون سازمان دهنده، مواردی چون حضور بازیگر در فیلم‌های ویدیویی یا سریال‌های رده «ب» و «ج» تلویزیونی است؛ برای نمونه بازیگری که سابقه حضور در فیلم‌ها کم‌دی دارد یا تمسخر ترانه‌هایی ؟؟؟؟ است که با صدای او منتشر شده است. همچنین مقایسه با همکاران از دیگر مضامین پایه‌ای این مورد است. همان‌گونه که اشاره شد، چند نمونه از تعداد کثیری از کامنت‌ها که با چنین مضامینی به صاحبان صفحه تاخته بودند به‌عنوان شاهد در جدول ۵ آورده شده است.

دیگر مضمون سازمان دهنده برای این مضمون پایه، «هنرمند نبودن» است. پرکاری، مقایسه تحقیرآمیز با دیگر هنرمندان، حضور در عرصه هنر صرفاً به‌واسطه



زیبایی و مطرح شدن به دلیل باندبازی و تمسخر شیوه و سبک هنری، مضامین فراگیر این دست از کامنت‌هاست. در نمونه‌هایی که برای روشن‌تر شدن توصیف‌ها آورده شده؛ برای مثال آمده است که سلبریتی را با عناوینی همچون نابازیگر خطاب می‌کنند. پرکار بودن نیز یکی از مضامین پایه است که عموماً در نظر منتقدان یک نکته منفی به حساب می‌آید این موضوع کنایه‌ای است که گاه به بستری برای پیام‌های آتشین دنبال‌کنندگان تبدیل می‌شود. تعریف آنچه به عنوان جایگاه و مقام حرفه‌ای سلبریتی حساب می‌شود، مسائلی است که مربوط به جایگاه، شغل و حرفه سلبریتی و زندگی حرفه‌ای اوست. روشن است که مضامین ذکر شده نه برای اظهارنظری ساده و یا انتقاد است بلکه مواردی را شامل می‌شود که از جمله مصادیق شناخته شده خشونت و پرخاشگری کلامی به شمار می‌روند.

جدول ۶- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۴"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
سیاست	انتساب به قدرت	مردمی نبودن / عامل حکومت / بهره‌مندی از مواهب قدرت
	انتساب به جریان، حزب یا گروه خاص	مزدوری / منفعت‌طلبی / مبلغ سیاسی بودن / آلت دست بودن
	سیاست‌گریزی	عدم توجه به رویدادهای سیاسی / بی‌سوادی / جهل به سیاست

**توصیف جدول ۶:** چهارمین مضمون فراگیر که در پی مطالعه کامنت‌ها استخراج شد، مضمون سیاست و امور مرتبط با آن از نگاه عامه است. در پیام‌های آتشین کاربران، نظراتی خشونت‌آمیز مبتنی بر سیاست و گرایش‌های سیاسی وجود دارد. ترول‌ها و دنبال‌کنندگان عادی گاه اختلاف‌سلیقه و تفاوت گرایش‌های سیاسی گرداننده صفحه را

محرکی برای شروع بحث وجدل‌هایی می‌دانند که در آن می‌توانند به طرف مقابل و گروه سیاسی‌اش بتازند. به نظر می‌رسد این درگیری‌های لفظی در فضای مجازی در رویدادهایی نظیر انتخابات، انقلاب، سالگرد حوادث تاریخی و غیره بیشتر خودنمایی می‌کند. مضامین نهفته در این تم در قالب مضامین سازمان دهنده و فراگیر در جدول بالا آمده‌اند.

نخستین مضمون سازمان دهنده انتساب به جریان قدرت است که در واقع کامنت‌هایی را شامل می‌شود که در آن هنرمند با مضامین پایه‌ای همچون مردمی نبودن، بهره‌مندی از مواهب قدرت و عامل حکومت بودن متهم می‌شود که وابسته به قدرت و حکومت است و فعالیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی او همه در همین راستا است. برای مثال حضور هنرمند در مراسم‌های دولتی، پست کردن تصاویری از سیاستمداران از جمله مواردی است که به بالا رفتن تعداد کامنت‌های حاوی خشونت کلامی مبتنی بر سیاست منجر می‌شود. هرچند نمونه‌هایی از این دست اظهارنظرها در پست‌هایی غیر مرتبط نیز به چشم می‌خورد. برای مثال در کامنت‌هایی با این مضامین، صاحب صفحه را فردی ترسو و یا مزدبگیر خطاب می‌کنند که در بزنگاه‌هایی (نظیر انتخابات) در جهت منافع خود، برای منافع برخی از نهادها یا کانون‌های قدرت تبلیغ می‌کند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در برخی موارد مضامین استخراج شده به خودی خود مذموم و یا آزاردهنده نیستند اما باید توجه داشت که مضامین ذکر شده صرفاً جان کلام است و می‌تواند با شیوه‌های کنایی، تمسخر، تهدید و تحقیر از مصادیق بارز خشونت کلامی باشد. برای مثال منتسب کردن یک شخص به حزب، جریان یا یک گروه خاص سیاسی به خودی خود نمی‌تواند آزاردهنده باشد اما زمانی که این امر به گونه‌ای خاص بیان می‌شود، به عنوان یک نقطه ضعف محسوب می‌شود و در زمره خشونت کلامی مبتنی بر سیاست قرار می‌گیرد، همچون وقتی که یک سلبریتی به دلیل پست یک تصویر با یک مقام اصلاح طلب و یا اصولگرا مورد هجمه قرار می‌گیرد و با عناوینی مانند بازیچه اصلاح طلبان خوانده می‌شود.

مضمون سازمان دهنده بعدی، سیاست‌گریزی است. مجموعه‌ای از کامنت‌ها، سلبریتی را به دلیل عدم فعالیت سیاسی سرزنش می‌کنند و او را جاهل به سیاست، بی‌سواد و بی‌توجه به رویدادهایی می‌دانند که به‌نوعی به سیاست و یا امور سیاسی مرتبط است. اظهارنظرکنندگان این دسته از کامنت‌ها مشارکت سیاسی و اعلام نظرات سیاسی از سوی سلبریتی را نشانه هنرمند واقعی بودن می‌دانند. کسی که نسبت به رخدادهای سیاسی جامعه خود حساس است و هنر را صرفاً برای هنر نمی‌خواهد بلکه با مردم و خواسته‌ها سیاسی آنان همگام است و دارای بصیرت و بینش سیاسی است. این برداشت، هنرمند را با گذاشتن یک پست، فعال سیاسی به شمار می‌آورد اما در تقابل با دو نگاه پیشین قرار دارد. در واقع به نظر می‌رسد سلبریتی چه در امور مبتنی بر سیاست فعال باشد و چه نباشد، کامنت‌هایی پرخاشگرانه و یا آتشین دریافت خواهد کرد.

جدول ۷- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۵"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
آسایش و رفاه	کنایه از اختلاف طبقاتی	درآمد بالا و بی‌حساب و بدون زحمت / قدرت خرید بالا / بهره‌مندی از امکانات لوکس رفاهی / ثروت خانوادگی
	ایده آل بودن زندگی	توشبختی کامل / بی‌خبری از مشکلات مردم / بی‌غم و غصه بودن / بی‌خبری از شرایط اقشار مختلف مردم / عدم آگاهی از شرایط رفاهی عامه مردم / شکم‌سیری

**توصیف جدول ۷:** مضمون فراگیر دسته دیگری از اظهارنظرها «آسایش و رفاه» است؛ یعنی خشونت کلامی مبتنی بر این ویژگی شکل می‌گیرد. این مضمون دو جنبه دارد که در قالب دو مضمون سازمان دهنده در کامنت‌ها یافت شد. مضمون سازمان

دهنده نخست، سویه اقتصادی دارد و کنایه‌ای است از اختلاف طبقاتی و فاصله رفاهی که نظردهنده میان خود و به‌طورکلی مردم با هنرمند احساس می‌کند. کامنت‌گذار با کلامی تند و آزاردهنده در قالب کنایه و یا بیان مستقیم سعی بر القای این باور دارد که گرداننده صفحه فردی ثروتمند و مرفه است و نمی‌تواند شرایط اقتصادی مردم را درک کند. نقطه اشتراک این باور چه درست و چه غلط آن است که خانواده ثروتمند را لازمه ورود به حرفه‌های هنری نظیر بازیگری و خوانندگی می‌دانند و یا ثروت هنرمند را بادآورده و ناشی از درآمدهای بی‌حساب و کتاب در عرصه‌هایی نظیر سینما می‌شمارند. مضامین فراگیر این گروه از کامنت‌ها به درآمد بالا، بی‌حساب و بی‌زحمت، ثروت خانوادگی، قدرت خرید بالا و بهره‌مندی از امکانات لوکس رفاهی اشاره دارد. این طعنه‌ها که درآمد بازیگر را بی‌زحمت و حرفه‌اش را بی‌ارزش می‌انگارند خلاف هدفی است که احتمالاً هنرمند برای حضور در شبکه‌های اجتماعی و نمایش و تثبیت وجهه مثبت خود برگزیده است. در این شبکه‌ها اغلب افراد به دنبال ارائه تصویری مثبت از خود و جذب فالوئر هستند و بازیگران به واسطه حرفه‌ای که دارند به دنبال جذب مخاطب بیشتر و راضی نگه‌داشتن آنان هستند. از این رو صفحات عمومی این افراد به واسطه حرفه و شهرت ناشی از آن است که کاربران زیادی را جذب می‌کند. حال در مقابل چنین نگاهی کسانی هستند که همین حرفه و شهرت را با بیانی خشونت‌بار زیر سؤال می‌برند و وجهه طرف مقابل را به آن مفهوم که در نظریه گافمن و ادب کلامی مطرح شده است، خدشه‌دار می‌کنند.

مضامین اقتصادی در کنار مضامین جنسی که بعداً این به آن خواهیم پرداخت جز مؤثرترین و پرتکرارترین انواع خشونت کلامی است. مؤثرترین به همان معنایی است که ترلو (۲۰۰۵) عنوان می‌کند و آن را کامل‌ترین گونه پرخاشگری و پیام‌های آتشین در فضای مجازی می‌داند؛ دسته‌ای که دریافت‌کننده پیام نیز آن را توهین‌آمیز تلقی می‌کند و آزرده‌خاطر می‌شود. این مهم را از طریق پاسخ‌های مکرر هنرمندان به این گروه از کامنت‌ها می‌توان رؤیت کرد که اصولاً از طریق پستی مجزا به اشتراک گذاشته می‌شود.

هنرمند در این گونه پست‌ها به دنبال محکوم کردن رفتار پرخاشگران و معرفی آنهاست و ضمناً سعی دارد با تبرئه خود، خویش را جزئی از مردم و با همان دغدغه‌ها معرفی کند.

جدول ۸- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۶"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
جنسیت	تحقیر جنس زن	- بهره هوشی پایین - بی‌دست و پای - عدم توانایی در فعالیت‌های اجتماعی - ضعف جسمی و روحی - عادی‌سازی خشونت علیه زنان
	توهین به مردان	- برچسب‌زنی به همه مردان - محتاج زنان - رفتار زنانه داشتن

توصیف جدول شماره ۸: کامنت‌هایی که تفاوت‌های زن و مرد را دستمایه خشونت کلامی قرار می‌دهند دارای نگاه جنسیتی هستند. در داده‌های مورد بررسی، این اظهارنظرها دارای دو مضمون سازمان دهنده تحقیر جنس زن و توهین به مردان هستند و مضامین پایه‌ای همچون اتهام بی‌دست‌و‌پایی، تفاوت گذاشتن میان بهره هوشی زنان و مردان با لحن ناخوشایند، برچسب‌زنی به یک جنس و مواردی از این دست را دربرمی‌گیرند. مقایسه بازیگران زن و مرد حاضر در یک سریال تلویزیونی با نگاه جنسیتی از جمله کامنت‌هایی است که با آن روبه‌رو شدیم.

این قبیل کامنت‌ها با نگاه تحقیرآمیز، قلبی و جنسیت زده سعی در القای برتری یک جنس نسبت به دیگری دارند و معمولاً این ادعا با ناسزا، تحقیر و تمسخر همراه است.

جدول ۹- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۷"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
جنسی	ناسزاهای جنسی	- توهین جنسی به اعضای خانواده - توهین جنسی به خود فرد - توهین جنسی به فضای کار و زندگی
	ابراز تمایلات جنسی	- ابراز علاقه همراه با بی‌ادبی کلامی جنسی - ابراز تمایلات بیمارگونه جنسی
	ابژه سازی جنسی	- نگاهی جنسی تحقیرآمیز به زنان

**توصیف جدول ۹:** گروهی از کامنت‌های حاوی خشونت کلامی که در این پژوهش مشاهده شد، اظهارنظرهایی هستند که مضمون فراگیر و اساسی آن‌ها توهین‌ها و تحقیرهای جنسی است. در خشونت کلامی با مضمون فراگیر جنسی، دو مضمون سازمان دهنده ناسزاهای جنسی و ابراز نامتعارف تمایلات جنسی دیده می‌شود که مضمون پایه دسته اول توهین جنسی به خود فرد؛ اعضای خانواده او و همچنین به فضای کسب‌وکار و زندگی او است. این توهین‌ها معمولاً در زمره آزاردهنده‌ترین نمونه‌های خشونت کلامی و مصداق عبور از خط قرمز در بیشتر فرهنگ‌ها به شمار می‌رود. این کلام اگر رنگ و بوی توهین و تحقیر نیز به خود بگیرد موجب آزار روحی گیرنده پیام و احساس حقارت، شرم و گاه خشم متقابل می‌شود؛ خصوصاً وقتی که اعضای خانواده را نشانه بگیرد. آنچه در فرهنگ ما غیرت خوانده می‌شود و تاختن به آن آزاردهنده، توهین‌آمیز و سزاوار پاسخ دانسته می‌شود در فضای مجازی راحت‌تر

مورد هجمه قرار می‌گیرد زیرا به سبب گمنامی نه بیم شناخته شدن و بی‌آبرویی گوینده می‌رود و نه برحسب بی‌ادبی. گیرنده این پیام آتشین نیز دستش برای تلافی نسبتاً کوتاه است؛ خصوصاً اگر شخص مشهوری باشد و از واکنش احساسی، بروز علنی خشم و مقابله به مثل به سبب عواقبش بپرهیزد و واهمه داشته باشد. این شرایط می‌تواند گاه درجه تأثیر کلام‌هایی این‌چنین را عمیق‌تر کند.

مضامین سازمان دهنده دسته دوم که مربوط به ابراز تمایلات جنسی می‌شود مضامینی همچون ابراز علاقه همراه با بی‌ادبی کلامی جنسی و ابراز تمایلات بیمارگونه جنسی را دربرمی‌گیرند. ابراز تمایلات جنسی با هر مضمون در محیط‌های عمومی از نظر فرهنگ ما مذموم و آزاردهنده شمرده می‌شود. در فضای اینستاگرام به‌عنوان یک شبکه اجتماعی محبوب، بیان اظهار کلامی این‌گونه تمایلات می‌تواند مشابه متلک‌های جنسی باشد. انتقال این کلام‌ها به فضای مجازی، خصوصاً اگر توهین‌آمیز و بیمارگونه باشد جزء مصادیق خسونت کلامی است و نوعی ایجاد مزاحمت و آزار رسانی تلقی می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد این دسته از مضامین بیشتر در ارتباط با بانوان دیده شدند. حتی در بررسی‌ها مشاهده شد که در صفحه هنرمندان آقا نیز، این الفاظ بیشتر در رابطه با اعضای مؤنث خانواده او به‌کاربرده می‌شوند. آن‌چنان‌که پولاک<sup>۱</sup> در سفرنامه خود می‌گوید در ایران معمولاً هدف از ناسزا خود شخص نیست بلکه خانواده او به‌خصوص پدر، مادر و یا قبور گذشتگان است، زیرا برحسب مفهومی که زندگی خانوادگی دارد، فحش به خانواده بسی ناگوارتر از دشنام به خود مخاطب است (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲). او ادامه می‌دهد که اغلب فحش‌هایی که برای زنان به کار می‌رود، رکیک است و حتی این کلمات گاهی از دهان کودکان خارج می‌شود که معنی آن را نمی‌دانند. این پیشینه نشان می‌دهد که این دسته از خسونت‌ها و یا بی‌ادبی‌های؟؟؟؟

---

1. Polak

کلامی در فرهنگ ناسزای ایرانی ریشه‌دار است و گمان می‌رود به سبب درگیر کردن خانواده، تأثیر آن بر ناسزا شنیده، بیش از سایر موارد است.

جدول ۱۰- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۸"

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
اعتقادات مذهبی	حجاب	- بدحجابی - جلب توجه - ابراز وجود
	بی‌دینی	- به‌جا آوردن فرایض دینی مثل نماز، روزه و حج - خارج شدن از دین - رابطه با جنس مخالف

**توصیف جدول ۱۰:** در دسته‌ای دیگر از کامنت‌ها، خشونت کلامی بر پایه اعتقادات، ادعاها و ارزش‌های مذهبی دین و با مضامین سازمان دهنده‌ای همچون حجاب و بجا آوردن فرایض دینی است که اغلب به مضامین فراگیری همچون بی‌دینی اشاره دارد. در واقع در این دست از کامنت‌ها، دنبال‌کنندگان دست روی مضامینی می‌گذارند که به نوعی به مذهب مرتبط است و فرد را به بی‌دینی و انجام ندادن فرایض و مناسک دینی متهم می‌کنند و آن را به هنرمندان تعمیم می‌دهند. برچسب‌زنی خصوصاً برچسب منفی ضمن ایجاد مخاطره برای وجهه، از انواع خشونت کلامی و دارای عوارض ناشی از آن برای شنونده است.

جدول ۱۱- خشونت کلامی مبتنی بر مضامین پایه "شماره ۹"



مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه
دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی	کنایه به دغدغه‌های سلبریتی	- حمایت از حیوانات - حمایت از محیط‌زیست - حمایت از ترنس‌ها - دفاع از حقوق زنان - حمایت از برگزاری کنسرت

### توصیف جدول ۱۱: یکی دیگر و در واقع آخرین مضمون فراگیر خشونت کلامی

که در این پژوهش شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت، دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهروندی هنرمند است. در واقع این‌گونه دغدغه‌ها عموماً از طریق تصاویر و نوشته‌هایی در صفحه شخصی هنرمند در اینستاگرام بازنمایی می‌شود. برای مثال یکی از بازیگران که خود را سفیر حمایت از ترنسکسوال‌ها معرفی می‌کند، پستی در حمایت از این افراد و تشویق مردم به حفظ حقوق آنان منتشر کرده است که در کامنت‌ها حجم قابل توجهی از خشونت کلامی در این مورد به‌عنوان یک دغدغه اجتماعی به چشم می‌خورد. هرچند برخوردهای منفی با این سوژه سویه‌های گوناگونی دارد اما در بیشتر آن‌ها خشونت و پرخاش کلامی به چشم می‌خورد.

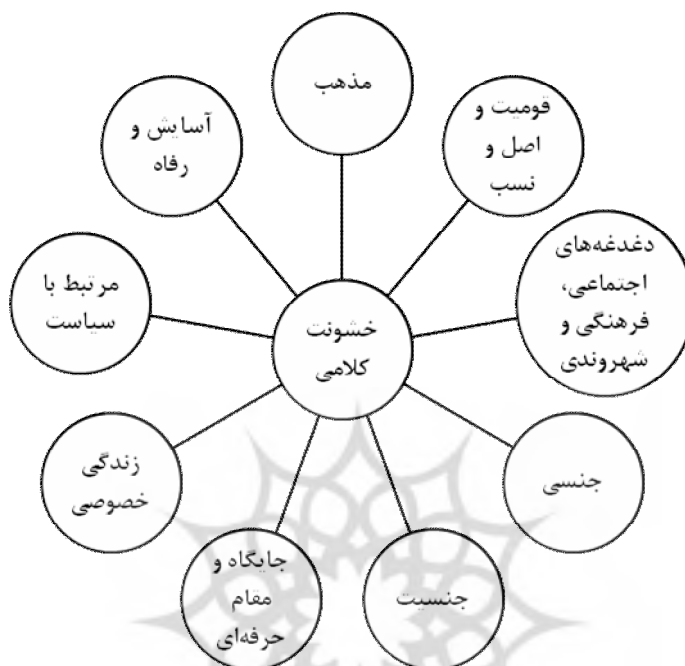
مضمون سازمان دهنده و پرتکرار این مضمون، بیانی کنایه‌آمیز نسبت به این‌گونه دغدغه‌ها است و نمونه‌های دیگری از مضامین فراگیر این دغدغه‌ها مواردی همچون حمایت از حیوانات، محیط‌زیست، ترنس‌ها، برگزاری کنسرت و دفاع از حقوق زنان است. در نمونه‌ای دیگر کاربری زیر پست حمایت از حیوانات با لحنی کنایه‌آمیز کامنت گذاشته است که: «این مملکت هیچ مشکلی ندارد و فقط مونده حقوق‌هاپوها»، یا دیگری که می‌گوید: «مردم نون ندارند بخورن اونوقت تو غصه سگ‌ها را می‌خوری»، یا در مواردی تندتر کسی در اعتراض به دغدغه‌هایی نظیر جلوگیری از لغو کنسرت‌ها می‌نویسد که: «این سلبریتی‌های مرفه چی می‌فهمن از درد جامعه، تمام دغدغه شون

کنسرت و هواپیما و این مزخرفاته، متأسفم برات خیلی گند زدی، دیگه تو چشم مردم نیستی». این مثال‌ها و مضامین استخراج شده از آن نشان می‌دهد که کاربران معترض و البته بیشتر پرخاشگر فاصله عمیقی میان خود و سلبریتی احساس می‌کنند. در مطالعه کامنت‌ها مشاهده شد که پرخاشگران دغدغه‌های سلبریتی را شعارهایی از سر شکم‌سیری می‌دانند که ربطی به مسائل و مشکلات روز مردم ندارند و نیاز امروز مردم و در اندازه مختصات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران نیستند. چنین برمی‌آید که پرخاشگران قصد دارند این شکاف مفروض را یادآوری، یا پرکنند. آن‌ها با برهان و یا بدون آوردن هیچ‌گونه دلیلی به کنایه و تمسخر این دغدغه‌ها می‌پردازند و هنرمند را نه آن‌چنان که می‌نماید بلکه ریاکار و روشنفکرنا خطاب می‌کنند. در واقع مضمون نهفته را باید در شکافی جست‌وجو کرد که در اظهارنظرهای پرخاشگرانه نهفته است.

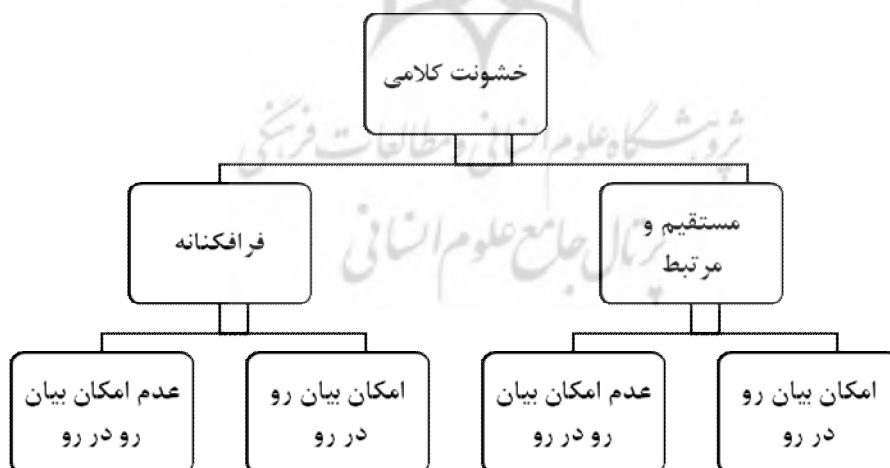
### شبکه مضمونی اصلی پژوهش

در این پژوهش تلاش شد با شناسایی مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر کامنت‌های حاوی خشونت کلامی، به دغدغه اصلی پژوهش پاسخ داده شود و همچنین چیستی پدیده خشونت کلامی در شبکه‌های اجتماعی سایبر تا حد زیادی روشن گردد. شبکه مضامین فراگیر خشونت کلامی در این پژوهش در شکل زیر قابل مشاهده است. پیش‌ازاین تأکید شد که شبکه مضامین یک تکنیک برای شفاف‌تر نشان دادن سطوح مختلف مضامین یک متن است. در این شبکه روابط میان مضمون‌ها سلسله مراتبی و ترتیب‌دار نیست بلکه پیوستگی میان مضامین و ارتباط و تنیدگی آنان را به نمایش می‌گذارد.

شکل ۱- شبکه مضامین فراگیر خشونت کلامی در این پژوهش



شکل ۲- الگوی استخراج شده از خشونت کلامی در این پژوهش



مضامینی که پیش‌ازین در جداول نُه‌گانه آورده و توصیف شد، در دو بخش قابل دسته‌بندی‌اند. اول مضامین آزاردهنده و خشونت‌باری هستند که مستقیماً خود سلبریتی و محتوای پست او را نشانه گرفته‌اند. دسته دوم، کامنت‌هایی هستند که با فرافکنی قصد آزار کلامی دارند.

نمونه دسته دوم، کامنت‌هایی است که با اهانت به خانواده و یا سایر تعلق‌های سلبریتی مانند ویژگی‌های ظاهری او درصدد زخم‌زبان زدن برمی‌آیند. هرچند که خشونت کلامی از منظر روانشناسی خود عملی فرافکنانه محسوب می‌شود اما با مطالعه در مضامین آن نیز می‌توان نسبت به مواردی شناخت پیدا کرد که مصداق بارز فرافکنی هستند. برای مثال زمانی که سلبریتی تصویری از لحظه رأی دادن خود در انتخابات ریاست جمهوری منتشر می‌کند، انتظار می‌رود که اگر در بیان نظرات، خشونت کلامی دیده شود الزاماً متوجه همین پست باشد، حال آن‌که دیده شد که اظهارنظرها گاه صرفاً خشمی فروخورده از شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه هستند که به دلیل شهرت، دامن‌گیر سلبریتی می‌شوند. گویی او به دلیل تصاویری که از زندگی شاد و راحت خود (سفرهای خارجی، صرف غذا در رستوران‌های مجلل، ورزش در باشگاه‌های لوکس و مدرن و غیره) منتشر می‌کند حساسیت دنبال‌کنندگان را برمی‌انگیزد و آن‌ها این ناراحتی را در پست‌های دیگر یا در مواجهه با یک سلبریتی دیگر به‌گونه‌ای طعنه‌آمیز و پرخاشگرانه مطرح می‌کنند و به او می‌تازند.

هر یک از این دو دسته (فرافکنی در بیان خشونت کلامی یا بیان مستقیم و مرتبط خشونت کلامی به سوژه) ممکن است دارای مضامین یا محتوایی باشند که بیشتر قابلیت بیان در ارتباطات چهره به چهره را داشته باشند یا در ارتباطات باواسطه بروز کنند. روشن است که امکان بیان هرگونه محتوایی بااراده انسان وجود دارد؛ اما آن چیزی که در این الگو مطرح می‌کنیم مرتبط با خصوصیات کلی جامعه ایرانی، خلق‌و‌خو و ویژگی‌هایی نظیر تعارف، رودربایستی و در لفافه سخن گفتن است که در بخش مرور مفهومی نیز مورد اشاره قرار گرفت.

## بحث و جمع‌بندی

طبق آنچه پیرامون هویت آنلایین، مدل فاقدان سرنخ در رویکرد ناقص ارتباطات رایانه - واسط (ترلو، ۱۳۹۰) و ویژگی‌های قالبی جامعه ایرانی مطرح شد برخی کامنت‌ها با مضامین حساسیت‌برانگیز مانند مضمون جنسی در ارتباط چهره به چهره سخت‌تر استفاده می‌شوند. خصوصاً آنکه در جدل و دعوا نباشد. حال آنکه در فضای مجازی کامنت‌هایی که مضمون جنسی دارند بدون دلیل و بدون پیش‌زمینه به‌راحتی استفاده می‌شوند. این‌همانی است که در الگوی انتهای بررسی داده‌ها مطرح شده است. همچنین با استناد به بخش نظری پژوهش و مشخصاً پژوهش خدیوی زند (۱۳۸۸) می‌توان گفت: طبق نظر ناسزا شناسان که معتقدند دوری و نزدیکی ناسزاگو و ناسزا شنیده در زمان، مکان، خویشاوندی، دوستی، اجتماعی و طبقاتی؛ سطوحی از آگاهی، نیمه آگاهی و ناآگاهی را می‌سازد؛ ارتباط با افراد مشهور نظیر بازیگران، خوانندگان و ... از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان در بخش «دور» قرار دارد. تعداد میلیونی دنبال‌کنندگان صفحات بازیگران نشان می‌دهد که آن‌ها در این فضا با افرادی ارتباط دارند که امکان آشنایی و شناختشان از نزدیک وجود ندارد. این ارتباط و فرآیند دنبال کردن یک فرد مشهور کمتر به دلیل شناخت بی‌واسطه و نزدیک مردم از او؛ بلکه به دلیل نوع حرفه او و شهرت است. ارتباط نیز معمولاً به دلیل طرفداری، کنجکاوی و یا برای مقاصد دیگر نظیر مزاحمت، «شعله افروزی» و «اوباشگری اینترنتی» است. با توجه به این که در این پژوهش مضامین پیام‌های آتشین بررسی شده‌اند می‌توان گفت که پیام آتشینی که از سوی دنبال‌کنندگان به‌عنوان افرادی خارج از دایره نزدیکان در دنیای واقعی ثبت می‌شود در طبقه «دور» قرار می‌گیرد و از این‌رو نوع مضامین آن نیز ریشه در تمایلات و تعارضات کاربر دارد که آن‌ها را به سلبریتی مرتبط می‌داند. برای نمونه وقتی در کامنت کاربر فساد اقتصادی دستگاه‌ها دولتی به شام خوردن سلبریتی در یک رستوران لوکس مرتبط می‌شود نشان از تعارضات و اوهامی دارد که کاربر در

جامعه واقعی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و از این طریق به فرافکنی می‌پردازد. این‌همانی است که در الگوی استخراج شده از نتایج این پژوهش آن را خشونت کلامی با محتوای فرافکنانه نام‌گذاری می‌کنیم.

اشاره شد که ناسزاهایی که در کامنت‌های صفحات این افراد یافت می‌شود، در جرگه نوع سوم ارتباط در این فضا قرار می‌گیرد. زیرا عموماً توسط افراد غریبه و عموماً با نام و نشان‌های دروغین و تقلبی که اصطلاحاً «فیک» نامیده می‌شوند، ثبت می‌گردد. طبق دیدگاهی که در بالا ذکر شد، این ناسزاها در سطح ناآگاهی و در بخش دور دسته‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی با استناد به بخش نظری و پژوهش خدیوی زند (۱۳۸۸) که به طبقه‌بندی حالات مختلف ناسزاگو و ناسزا شنیده می‌پردازد، انجام می‌شود و طبق آن می‌توان گفت این ناسزاها ریشه در تعارضات، اوهام و تمایلات تهنشین شده در روان ناسزاگو دارد. این افراد اگر در ناسزاگویی بازیگر را خطاب قرار دهند، به دلیل عدم شناخت واقعی او و ارتباط نزدیک به‌عنوان یک انسان عادی، احساسات منفی‌شان از دور شکل‌گرفته است پس عمیقاً با افکار و درونیات ناسزاگو در ارتباط است. در حقیقت شکل دادن به هیجانات منفی و یا عقده‌ها و تمایلات گذشته و سرکوب‌شده به‌صورت کلام، بر محمل زبان سوار است و زبان ریشه در فرهنگ دارد.

ناسزاهایی که بخشی از مضامین استخراج شده از خشونت کلامی در کامنت‌ها هستند نشان از نگرش نظردهندگان به بازیگران است. در بحث ناسزا که در درجات بالای خشونت کلامی است. ناسزاگو بی‌پرده‌تر از همیشه نظر و احساس منفی خود را در قالب الفاظی به کار می‌برد که خلاف ارزش‌ها و هنجارهای رایج در جامعه است؛ حتی اگر از واژه‌های دور از ادبی که این روزها بیش‌ازپیش در گفتار مردم رواج یافته است بگذریم و آن‌ها را نه در معنای واقعی بلکه اصطلاحی رایج در میان شوخی‌ها، ابزار صمیمیت و حتی ابراز علاقه به‌حساب آوریم. در تحلیل مضامین ناسزاها نکته قابل‌توجه تأکید ناسزاها بر جنس زن است. مشاهده شد که در صفحات اینستاگرام بازیگران مرد نیز بسیاری از ناسزاها، اعضای مؤنث خانواده او را نشانه رفته‌اند. یا این

که خطاب به کاربر دیگری نوشته شده‌اند. ناسزاهای جنسی و استفاده از زن و زنانگی او به‌عنوان نقطه‌ضعف و فشار آوردن به او و خانواده‌اش در فرهنگ‌های مختلف کم‌وبیش وجود دارد؛ اما رنگ و تأثیرگذاری آن متفاوت است. در پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است می‌توان رد این‌گونه ناسزاهای را از سالیان دراز مشاهده کرد. آنچه از گفته پژوهشگران این حوزه برمی‌آید این است که چنین ناسزاهایی در فرهنگ شرق و در ایران بیشتر از جوامع غربی اثرات مخرب بر روح شنونده می‌گذارد تا جایی که سبب واکنش‌های هیجانی و آنی به‌منظور نشان دادن مردانگی و نگرانی برای حفظ آبرو می‌شود که هرکدام می‌توانند در موقعیت‌های خاص فاجعه‌آفرین باشند. در ارتباط کامپیوتر واسط بودن این خطرات احتمالی حذف می‌شود اما تأثیرات روحی، روانی و اخلاقی آن به‌عنوان نوع گزنده‌ای از خشونت کلامی باقی خواهد ماند.

به هر روی وقتی که مضمون خشونت کلامی، جنسی است و در سطح فراگیر مستقیماً به زن بودن به‌عنوان یک ضعف و مایه شرم نگاه می‌کند می‌توان ادعا کرد که بخش اعظمی از این کامنت‌ها نگاهی ابژکتیو به زن دارند و او را سوژه‌ای برای تخلیه احساسات پرخاشگرانه خود می‌بینند که به‌راحتی می‌توان از آن به‌عنوان بهانه‌ای برای تحت‌فشار قرار دادن کسی استفاده کرد. همان‌گونه که در تعریف مفاهیم و به‌طورکلی بخش نظری پژوهش ذکر شد، روانشناسان تحت‌فشار قرار دادن را یکی از اهداف و درعین‌حال ابزار خشونت و پرخاشگری از هر نوع آن می‌دانند. با مرور پیشینه طرز نگاه به زن خصوصاً زن هنرمند در ایران، این برداشت قوت می‌گیرد و ریشه‌پیدایش و طرح چنین مضامینی در زبان روشن می‌گردد. باید افزود که در بررسی کامنت‌هایی که حاوی ناسزا بودند. مواردی از انواع ناسزاگویی شامل ناسزای مبتنی بر تشبیه یافت شد که یکی از طبقه‌بندی‌های انواع ناسزا (خدیوی زند، ۱۳۸۸) است. در این دسته از ناسزاهای، شخص مورد نظر به چیزی تشبیه می‌شود که از منظر ادب و فرهنگ ایرانی دون شأن یک انسان است و نسبت دادن آن به کسی، بی‌ادبی کلامی محسوب می‌شود. به‌عنوان

نمونه می‌توان به تشبیه انسان به حیوان اشاره کرد که به‌وفور در حجم مورد بررسی، دیده شد.

با توجه به ظاهرسازی و عدم صراحت لهجه یا همان تعارف که به‌عنوان دیگر ویژگی‌های ایرانیان در بخش نظری مطرح شد، می‌توان گفت بر این اساس و همچنین طبق مدل فاقد سرنخ (ترول، ۱۳۹۰) دسته‌ای از پیام‌های آتشین خصوصاً آن‌ها که خطوط قرمز پذیرفته شده در جامعه را رد می‌کنند معمولاً کمتر رو در رو و در مکان عمومی مطرح می‌شوند. خصوصاً اگر پیش از آن بحث و جدلی صورت نگرفته باشد. طبق مدل حضور اجتماعی، مدل فاقد سرنخ که ترلو (۱۳۹۰) مطرح می‌کند، همچنین مبحث وجهه در نظریه نمایشی گافمن (۱۹۹۰)، کارکرد آن در نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) و بی‌ادبی کلامی کالپیر (۲۰۱۱) و مباحث گسترده هویت در فضای مجازی که در بخش نظری مطرح شد، معمولاً وقتی افراد شناسایی شده باشند برای حفظ وجهه خود و ظاهرسازی هم که شده، کمتر ناراحتی خود را بروز می‌دهند و یا سعی در کنترل آن دارند. خصوصاً در استفاده از واژه‌های رکیک و ناسزا این موضوع بیشتر صادق است. آن‌چنان‌که در بخش نظری از الول (۲۰۱۳) نقل شد، هویت آفلاین ما با خود آنلاین ما در جامعه گره خورده است و عملاً با یکدیگر مشابه‌اند و تنها ممکن است در فضای آنلاین امکان ظهور و بروز بیشتر و بی‌پرده‌تری بیابد. این نتایج نشان می‌دهد که خشونت کلامی مقابل تعارف ظاهری ایرانی است و همان‌گونه که در مباحث پولاک (۱۳۶۸)، نراقی (۱۳۸۸) و فراستخواه (۱۳۹۵) درباره خلق و خوی ایرانیان آمده است؛ در خفا بروز می‌یابد؛ خصوصاً آنکه در مورد مسائلی باشد که جز خط قرمزهای عرف جامعه است. مواردی نظیر اظهارنظرهای جنسی از این جمله‌اند. طبق مدل فاقد و یا کمبود سرنخ در ارتباطات رایانه واسط می‌توان گفت فضای مجازی به دلیل ویژگی‌هایش بستر آسوده‌تری برای بروز این رفتار است و در واقع این حجم از اظهارنظرهای آزاردهنده و گاه رکیکی که در اینستاگرام وجود دارد به همین دلیل است. کاربران می‌توانند فارغ از هرگونه مسئولیت ناشی از کلام و ذیل عناوینی ساختگی،



خشم خود را متوجه کسانی سازند که مورد توجه خیل کثیری از مردم هستند و دنبال‌کنندگان میلیونی دارند. طبق نظریه بی‌ادبی کلامی کامنت‌گذاران از این طریق می‌توانند در مقابل وجهه‌های؟؟؟؟؟ خواست مدنظر سلبریتی بایستند و وجهه او را با راهبردهای گوناگون بی‌ادبی کلامی به مخاطره بیندازند و از این طریق فاصله میان خود و او را کم کنند و ترس از تهدید وجهه خود در این بازی نداشته باشند؛ زیرا که به اندازه سلبریتی شناخته‌شده نیستند یا می‌توانند هویت خود را به طرق مختلف مخفی کنند، یا با امکانات موجود در فضای اینستاگرام تا حدی اجازه اظهارنظر را از طرف مقابل سلب کنند.

دسته دیگری از کامنت‌ها آن‌هایی هستند که سلبریتی را به‌عنوان یکی از افراد بانفوذ مسبب بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه می‌دانند و او را همسنگ سیاستمداران و مسئولین کشور در کاستی‌های موجود دخیل و مقصر می‌دانند. محتواهایی نظیر جیره‌خوار، پاچه‌خوار، فتنه‌گر، عرب، غرب‌زده و غیره او را از بابت اظهار عقیده‌اش منتفع از سوی یک جریان سیاسی می‌دانند. او را خودشیرین می‌نامند و معتقدند از این راه به نان و نوایی می‌رسد. همچنین اعتراض به عدالت اجتماعی و شکایت از اختلاف طبقاتی آن چیزی است که در این کامنت‌ها دیده می‌شود. گویی این احساس به اندازه‌ای در کاربر نهادینه شده است که در زیر عکسی فاقد هرگونه از تجمل‌گرایی‌های معمول (نظیر تصویر مسافرت خارجی، لباس، ساعت، ماشین و تفریحات گران‌قیمت و لوکس و ...) نیز به هنرمند نگاه اعتراضی دارد و او را نماینده کسانی می‌داند که از نظرش حقوق او را پایمال کرده‌اند و مسبب زندگی او در طبقات پایین‌تر جامعه هستند. در جدول مضامین پایه نیز ذکر شد، با مقایسه شرایط زندگی خود با تصویری شاد از زندگی سلبریتی این دو موقعیت را ناعادلانه می‌داند و با لحنی کنایه‌آمیز و گاه مظلومانه سعی در القای حس عذاب وجدان و برانگیختن ترحم دارد. این شیوه از خشونت‌ورزی در کلام در بسیاری از منابع مغفول مانده اما همان‌گونه که

در تعریف خشونت کلامی و همچنین ؟؟؟؟؟؟ فلیمینگ در بخش تعریف مفاهیم و به‌طور مشخص خشونت کلامی در فضای مجازی آمد این نوع از کنایه‌ها نیز به سبب کارکردی که دارند می‌توانند به‌عنوان آزار کلامی در فضای مجازی محسوب شوند.

گونه جالبی از بی‌ادبی کلامی که در این پژوهش دیده شد ابراز محبت کلامی توأمان با ناسزا است که در میان مردم رواج یافته است. قرار دادن این نوع از بی‌ادبی کلامی در طبقه‌بندی خشونت کلامی و انواع آن دشوار به نظر می‌رسد زیرا ظاهراً سبکی از ابراز علاقه و محبت است که با شیطنت همراه شده است. در ادامه می‌توان به کامنت‌هایی اشاره کرد که روابط خانوادگی بازیگر را عامل اصلی موفقیت و شهرت او می‌دانند و با تحقیر او سعی دارند تأکید کنند که او بدون این روابط نمی‌توانسته بازیگر شود. برای مثال کامنت‌هایی که پدر و مادر بازیگر را واسطه معرفی و حضور او در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی می‌دانند. همچنین کامنت‌هایی که در آن کاربران با خطاب بازیگر به‌عنوان مدل و غیره، زیبایی ظاهر او را عامل اصلی ورودش به این عرصه می‌دانند و از این طریق تأکید می‌کنند که او فاقد هنر و دانش لازم برای یک بازیگر است تا به وجهه او طبق نظریه ادب و بی‌ادبی کلامی خدشه وارد کنند و این تقابل با توجه ؟؟؟؟؟؟ وجهه خواست سلبریتی به‌عنوان یک شخص مشهور که در پی ایجاد وجهه مثبت برای خود است، بیشتر به چشم می‌آید. اشاره شد که مضامین پایه هر یک، مضامین نهفته و انتزاعی‌تری دارند که با واکاوی بیشتر اظهارنظرها و با عنوان مضامین سازمان دهنده و فراگیر معرفی شدند. در میان مضامین بررسی‌شده، تم‌هایی وجود دارد که به لایه‌های نهان و خصوصی زندگی سلبریتی مربوط می‌شود. این بخش زندگی یک سلبریتی آن وجهی است که پس از به شهرت رسیدن وی مورد توجه واقع می‌شود اما خود عامل شهرت نیست.

در واقع این مضامین فراگیر نشان دهنده ۹ محور اصلی داده‌ها متنی مورد بررسی هستند و الگوهای پرتکراری که متن از آن پیروی می‌کند را نشان می‌دهند. زندگی خصوصی، آسایش و رفاه، جنسیت، جنسی، سیاسی، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی و

شهروندی، مذهب، قومیت و اصل و نسب، مضامین فراگیر کامنت‌های حاوی خشونت کلامی هستند و اغلب به صورت جمله با مضامین تخریبی مفاهیم ذکر شده را منتقل می‌کنند. در واقع این مضامین در این گروه از کامنت‌ها به اهرم فشار و راه خودنمایی تبدیل می‌شوند. وقتی پرخاشگر کسی را تحقیر می‌کند می‌خواهد به صورت ذهنی و لحظه‌ای هم که شده قدرت مخاطبش را سلب کند و بر او مسلط شود. حال اگر مخاطب همیشه در مرکز توجه و قدرتمندتر باشد؛ پرخاشگر به اهرم‌های قوی‌تری برای تخریب وجهه او مثلاً ناسزاهای رکیک پناه می‌برد. لازم به ذکر است در این پژوهش و در توصیف و تشریح مضامین یافت شده به دنبال اثبات درستی و نادرستی محتوای کامنت‌ها و دفاع از اظهارنظر کنندگان یا صاحب صفحه نبوده‌ایم و تنها به بازخوانی و استخراج مضامین اظهارنظرهایی که حاوی مصادیق خشونت کلامی هستند پرداخته‌ایم.

## منابع

- اسلوین، جیمز. (۱۳۸۰). *اینترنت و جامعه*، ترجمه: عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.
- بیکاک، ویلیام؛ وایت هاوس، ویرجینیا. (۱۳۸۸). شهرت به منزله پدیده‌ای پست‌مدرن (بحران اخلاقی دموکراسی و کابوس رسانه‌ها)، ترجمه: صالح نجفی، *ماهنامه رواق هنر و اندیشه*، شماره ۳۴.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ترلو، کریسپین؛ تومیک، آلیس؛ لنگل، لورد. (۱۳۹۰). *ارتباطات کامپیوتر – واسط: تعاملات اجتماعی و اینترنت*، ترجمه: سروناز تربتی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- حسینی انجدانی، مریم. (۱۳۹۵). *روش تحلیل مضمون*، تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما.
- خدیوی زند، محمدمهدی. (۱۳۸۸). *هنگامه‌های ناسزا شناسی و ناسزا درمانی (پوزش پیشاپیش)*، *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، شماره ۵۳ و ۵۴.
- رحمانی، حسین؛ مدرسی، یحیی؛ غیاثیان، مریم‌السادات؛ زندی، بهمن. (۱۳۹۵). *ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی، ماهنامه جستارهای زبانی*، دوره هفتم، شماره ۵، شماره پیاپی ۳۳.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم.
- سید حسینی، سید محمدعلی؛ فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۹۴). *تحلیل تماتیک عوامل القای ترس در بازی‌های رایانه‌ای*، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵). *ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی*، تهران: نشر نی، چاپ نهم.
- فریس، کری ا. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی سلبریتی*، ترجمه: فردین علیخواه، قابل‌دسترس در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ به نشانی:  
<http://anthropology.ir/article/30729>
- کریمی، فاطمه. (۱۳۹۰). *بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن* از نظر دانش‌آموزان و معلمان، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال دوم، شماره دوم.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و محمد مهدی رحمتی. (۱۳۸۱). سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علمی - توصیفی خشونت در ورزش، *دو فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، تهران: دانشگاه تهران، شماره ۱۹.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، جلد ۲، چاپ دوم.
- معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)، *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره اول، شماره ۴.
- مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۹۳). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: انتشارات همشهری، چاپ چهارم.
- یول، جورج. (۱۳۸۷). *کاربردشناسی زبان*، ترجمه: محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: انتشارات سمت.
- Attride-Stirling, Jennifer. (2001). *Thematic networks: an analytic tool for qualitative research*. Qualitative Research, London: SAGE publication, Vol.I (3): 385 – 405.
- Brown, P. & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some Universals of Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Johanson, N.A., Cooper, R.B., & Chin, W.W. (2008). *Anger and flaming in computer-mediated negotiation among strangers*. Decision Support System 46, 660-672.

- Marshall, P. David; Redmond, Sean. (2015). *A Companion to Celebrity*. John Wiley & Sons Publications.
- Moor P.J., Heuvelman A. & Verleur R. (2010). *Flaming on YouTube*. Journal: Computers in Human Behavior 26, 1536–1546.
- O’Sullivan P.b., Flanagan, A.J. (2003). *Reconceptualizing flaming and other problematic messages*. new media & society, SAGE Publications.
- Reitman, D., & Villa, M. (2004). *Verbal Aggression: Coping Strategies for Children*. National association of school psychologists 30, 270 – 657. [https://en.wikipedia.org/wiki/Internet\\_troll](https://en.wikipedia.org/wiki/Internet_troll)

